آموزش زبان فرانسه

کتابخانه امید ایران

زبان فرانسوی, پس از زبان‌های اسپانیایی و پرتغالی سومین زبان پرگویش و از خانوادهٔ زبان‌های رومی است. جمعا حدود ۱۲۸ میلیون نفر به این زبان صحبت می‌کنند اما تنها ۶۷ میلیون نفر آنان گویش وران مادری این زبان هستند. با این حساب از لحاظ تعداد گویش وران مادری, زبان فرانسوی رتبهٔ هجدهم در جهان را داراست اما از لحاظ گویش وران روزمره رتبهٔ نهم را دارد. زبان فرانسوی, زبان رسمی ۲۹ کشور است و می‌توان گفت پیش از جنگ جهانی دوم بخصوص در زمینه‌های مثل دیپلماسی,تجارت, و حمل و نقل, زبان بین المللی به حساب می‌آمد.
در کشور ما از دیرباز زبان فرانسه آموزش داده مي شده و در دوره قاجار به عنوان زبان دوم بعد از فارسي بكار مي رفته است ، با اعظام دانشجويان به كشور فرانسه براي تحصيل در رشته هاي مختلف در زمان رضا خان اين اعتبار و گسترش بيشتر از قبل قابل مشاهده بوده است ، تا آنجا كه دانستن زبان فرانسه در خانواده هاي متمول و رجال يك ضرورت محسوب شده و اكثر فرزندان اين خانواده ها از معلمين خصوصي براي آموزش اين زبان بهره مي برده اند . در سالهاي اخير نيز استقبال فراواني از اين زبان بعمل مي آيد و دانشگاهها و موسسات خصوصي و غير خصوصي زيادي به آموزش اين زبان مي پردازند ، كه از جمله مي توان كانون زبان ايران را نام برد كه در حال حاضر معتبرترين موسسه با استانداردهاي روز دنيا براي فراگيري زبان فرانسه در ايران محسوب مي شود و در حال حاضر در كليه سطوح خدماتي را به زبان آموزان ارائه ميدهد .

در این مقاله سعی شده است تا به صورت پایه ای این زبان آموزش داده شود. مطالب به صورت طبقه بندی شده در قسمت های مختلف قرار گرفته اند. اگر شما چیزی درباره زبان فرانسه نمی دانید و علاقه مند به فراگیری این زبان هستید، مطمئن باشید که با مطالعه این مطالب، این زبان زیبا را یاد خواهید گرفت. یکی از قسمت های مشکل در صحبت کردن به زبان فرانسه، تلفظ می باشد که علاوه بر صفحه حروف الفبا و تلفظ آنها، که به آموزش این امر می پردازد، در اکثر مطالب این سایت سعی شده تلفظ کلمات به فارسی در مقابل آنها نوشته شود تا شما هر چه بیشتر با تلفظ کلمات آشنا شوید.

کسانی که اصلا از زبان فرانسه چیزی نمی دانند و علاقه مند به یادگیری آن می باشند بهتر است در ابتدا به ترتیب مطالب صفحات حروف الفبا و تلفظ انها، اصطلاحات مهم و دستور زبان فرانسه را مطالعه کنند. ولی بعد از آن می توانند به مطالعه هر قسمت که علاقه مند بودند بپردازند.

حروف الفبای زبان فرانسه و تلفظ آنها

زبان فرانسه ۲۶ حرف دارد که به چهار نوع، یعنی حروف چاپی بزرگ و کوچک و حروف تحریری بزرگ و کوچک تقسیم می شود. در اینجا حروف چاپی بزرگ و کوچک و تلفظ آنها آورده شده است.

Les majusculeş typographie

L	M	F	G	H	I	J	K	A	B	C	D	E
آ	بِ	ث	دِ	أ	اِف	ژ	اَش	ای	ژی	کَ	اِل	اِم

Z	U	V	W	X	Y	O	P	Q	R	S	T	N
اِن	اُ	پ	کو	اِق	اِس	تِ	ئو	و	دوبل و	ایکس	ایگ رک	زد

دریافت فایل صوتی

حروف صدادار Voyelle

حروفی هستند که به تنهایی و مستقل تلفظ می شوند. این حروف عبارتند از : a , y , u , o , e , i

اگر در وسط جمله، در آخر کلمه قبل از حرف e یک Consonne (حرف بی صدا)باشد، بعد از آن حرف H یا یک از حروف صدادار باشد حرف e تلفظ نمی شود.

ècole une
universite grande
homme autre

حروف بی صدا Consonnes

حروفی هستند که بدون دخالت حروف صدادار، تلفظ نمی شوند و شامل بیست حرف باقیمانده است.

تلفظ در زبان فرانسه Prononciation De La Langue Française

حرف A :

این حرف اگر با حروف مختلف ترکیب شود صدای ویژه ای می دهد.

ai	صدای اِ	Lait	لِ
au	صدای اُ	Jauge	ژُ وژ
eau	صدای اُ	Manteau	مانتو
ay	صدای اِی	Payer	پ ِ ی ِ
ail	صدای اَی	Travail	ت ِ قَ وَ ی

حرف A در ترکیب با حروف M وN صدای (آ) می دهد که به صورت تو دماغی تلفظ می شود.

Ange : آنْژ
Ample : آمْپلْ

ترکیب ai قبل از حروف M و N صدای (آ) می دهد و به صورت تو دماغی تلفظ می شود.

Pain : پَنْ Faim : فَمْ

اگر بعد از آن حرف E باشد تلفظ می شود.

Laine : لِنْ

حرف C :

C همیشه صدای (ک) می دهد

Sac : سَک

c در جلوی حروف (y , i , e) صدای (س) می دهد.

Ceci : سُ سی

اگر در جلوی آن حرف h باشد صدای (ش) می دهد.

Machine : مَ شین

اگر قبل از آن حرف T باشد صدای (چ) می دهد.

Tch صدای چ

حرف E :

صدای کوتاه اُ می دهد در ترکیب با حروف دیگر تلفظ ویژه ای دارد.

		Aller	آلِ
Er , Es , Et :	صدای اِ	ètoile	اِتو آل
		Est	اِ
Ei :	صدای اِ	Peine	پ ِ نْ

در ترکیب با صدای U صدای E کشیده می شود.

Bleu بْ لُ
Heureux اُقُ

در ترکیب با N و M صدای (آن) می دهد.

Emprunter آمْ پقَنْ تِ
Entrer آنْتق ِ

در ترکیب با حرف Z صدای (اِ) می دهد.

Nez ن ِ
Avez آو ِ

اگر E دارای علامت باشد صدای (اِ) می دهد.(**è** و **é** و **ê**)

Père پِ قْ
Tête تِتْ
Télévison تِ لِ وی زی یُن

حرف D :

در جلوی حرف J حرف D تلفظ نمی شود

Dj جِ
Djinn جِنْ

حرف G :

همیشه صدای (گ) می دهد.

Cigare سی گَ

پس از حرف G اگر حروف (I و Y و E) بیاید صدای (ژ) می دهد.

Gigot ژی گُ
Garage گَ قَژ
Gymnastique ژیم نَس تیک

اگر بعد از آن حرف N بیاید صدای (نی) می دهد و G تلفظ نمی شود

Espagnol اِس پَنی اُل

حرف H :

حرف H هیچگاه تلفظ نمی شود

حرف I :

اگر بعد از حرف I حروف M و N به تنهایی قرار گیرد صدای (آن) می دهد ولی اگر بعد از N و M حرف صداداری بیاید دیگر صدای (آن) نمی دهد و به صورت معمولی خوانده می شود.

Chemin شِمَن
Lapin لَپِن
Lapine لَ پین

حرف O :

صدای (اُ) می دهد. در ترکیب با حرف U صدای (او) می دهد. همچنین در ترکیب با I صدای (او آ) می دهد.

Tôt تُ
Chou شُو
Moi موآ

صدای ترکیبی :

PH صدای (ف) می دهد

Téléphone تِلِفُن

حرف Q :

حرف **Q** با ue صدای (ک) می دهد.

Chaque شَکْ

در دو واژه فرانسه استثناء بعد از Q حرف U نمی دهد.

Cinq سِنْ کْ
Coq کُک

حرف S :

حرف S همیشه صدای (س) می دهد.

Poste پُست

اگر حرف S بین دو حرف صدادار قرار گیرد صدای (ز) می دهد.

Rose قُز

حرف R :

R در فرانسه صدای (ق) می دهد

Merci مِقْسی

معمولا هنگامی که حرف T بعد از R قرار می گیرد صدای (خ) می دهد.

Verte وِخْت

صدای ترکیبی :

ILL و **EILL** به ترتیب صدای (ای) و (اِی) می دهند.

Fille فی
Oreille اُقِ ی

صدای ترکیبی :

Tio در زبان فرانسه صدای (سی) می دهد.

Félicitations فِلی سی تَسی یُن

نکته آخر :

شما کاراکترهایی را با خطوطی در بالا و پایین حروف دیده اید و حتما می پرسید پس اونا چی هستند؟!

در واقع اونها حرف نیستند بلکه Accents هستند و یکی از مهمترین تفاوت های انگلیسی و فرانسه در نوشتار را ایجاد می کنند.

Accent ها معمولا برای حروف صدادار هستند. گاهی اوقات Accent ها تلفظ حرف صدا دار را عوض می کنند و گاهی نه. تعدادی از Accent های حرف e را در زیر مشاهده می کنید:

é (aigu accent)
è (grave accent)
ê (circumflex accent)
ë (diaeresis accent)

البته Accent ها همیشه برای حروف صدادار نیستند و شما ممکن است به چیزی مثل این هم برخورد کنید:

ç (The cedilla)

دستور زبان فرانسه Grammaire

دستور زبان مجموعه قواعدی است که از طبیعت زبان بر می خیزد ، و برای کاربرد درست آن آموخته می شود.
یکی از تفاوت هایی که قواعد زبان فرانسه با انگلیسی و فارسی دارد در این است که در زبان فرانسه ، شکل افعال برای مذکر و مونث متفاوت است. در اینجا سعی شده است تا به نکاتی اشاره شود که بسیار پر اهمیت و همچنین برای یادگیری زبان فرانسه ضروری می باشند

در ابتدا به معنی کلمات زیر توجه کنید:

je : من	tu : تو	il : او (مذکر)	elle : او (مونث)
nous : ما	vous : شما	ils : آنها (مذکر)	elles : آنها (مونث)

دریافت فایل صوتی

صرف فعل (بودن) être

ما هستیم	nous sommes	(نو سُوم ْ)	من هستم	je suis	(ژُ سویی)
شما هستید	vous êtes	(وو زِتْ)	تو هستی	tu es	(تو اِ)
آنها هستند (مذکر)	sont ils	(اِیل سُنْ)	او هست (مذکر)	il est	(اِیل اِ)
آنها هستند (مونث)	elles sont	(اِ ل ْ سُنْ)	او هست (مونث)	est elle	(اِ ل اِ ِ)

برای منفی کردن آن از دو کلمه ne در اول و pas در آخر فعل être استفاده می شود :

ما نیستیم	nous ne sommes pas	(نو نْ سُومِ ْ پَ)	من نیستم	je ne suis pas	(ژُ نْ سویی پَ)
شما نیستید	vous n' êtes pas	(وو نِتْ پَ)	تو نیستی	tu n' es pas	(تو نِ پَ)
آنها نیستند (مذکر)	ne sont pas ils	(اِیل نُ سُنْ پَ)	او نیست (مذکر)	il n' est pas	(اِیل نِ پَ)
آنها نیستند (مونث)	elles ne sont pas	(اِ ل ْ نُ سُنْ پَ)	او نیست (مونث)	n' est pas elle	(اِ ل نِ پَ)

مثال :

من دانشجو هستم	je suis etudiant	ما در خانه هستیم	nous sommes dans une maison
او دانشجو نیست	elle n' est pas etudiante	شما خوشحال نیستید	vous n' êtes pas heureux

صرف فعل (داشتن) avoir

ما داریم	nous avons	(نو زاوُنْ)	من دارم	j' ai	(ژِ)
شما دارید	vous avez	(وو زاوِ)	تو داری	tu as	(تو اَ)
آنها دارند (مذکر)	ont ils	(اِیل زُنْ)	او دارد (مذکر)	il a	(اِیل اَ)
آنها دارند (مونث)	elles ont	(اِ ل ْ زُنْ)	او دارد (مونث)	a elle	(اِ ل اَ)

برای منفی کردن آن مانند فعل être از دو کلمه ne در اول و pas در آخر آن استفاده می شود.

مثال :

من دو برادر دارم	j' ai deux frère	ما خواهر نداریم	nous n' avons pas une soeur

افعال در فرانسه به سه گروه می باشند. گروه یک (که آخر آنها به **er** ختم می شود) ، گروه دو (که آخر آنها به **ir** ختم می شود) و گروه سه (که آخر آنها به **re** ختم می شود).

مثال : گروه یک : aimer
گروه دو : partir
گروه سه : dire

افعال گروه یک به جز دو مورد همگی با قاعده هستند. به طور مثال برای فعل aimer (دوست داشتن) داریم:

ما دوست داریم	nous aim**ons**	(نو زِ مونْ)	من دوست دارم	j' aim**e**	(ژِ مْ)
شما دوست دارید	vous aim**ez**	(وو زِ مِ)	تو دوست داری	tu aim**es**	(تِمْ)
آنها دوست دارند (مذکر)	ils aim**ent**	(ایل زِمْ)	او دوست دارد (مذکر)	il aim**e**	(ایلِ مْ)
آنها دوست دارند (مونث)	elles aim**ent**	(اِل زِمْ)	او دوست دارد (مونث)	elle aim**e**	(اِ لِ مْ)

در مثال بالا علامت های فعل با حروف پر رنگ تر نشان داده شده اند. علامت سوم شخص جمع (ent) نوشته می شود ولی خوانده نمی شود.

مثال :

من سینما را دوست دارم j' aime le cinéma ما موزیک را دوست داریم nous aimons la musique

برای منفی کردن آن نیز مانند همه افعال دیگر در فرانسه، از ne ... pas استفاده می شود:

مثال :

من اپرا را دوست ندارم je n' aime pas l' opéra آنها مسافرت را دوست ندارند ils n' aiment pas voyager

هرگاه بخواهیم دو فعل را پشت سر هم بیاوریم فعل دوم به صورت مصدر نوشته می شود:

مثال :

من نگاه کردن را دوست دارم J' aime regarder

همانطور که در مثال دیده می شود ، فعل اول (aime) همراه با علامت اول شخص مفرد نوشته شده در صورتی که فعل دوم (regarder) به صورت مصدر نوشته شده است.

از افعال مهم این گروه می توان به aimer (دوست داشتن) ، adorer (دوست داشتن خیلی زیاد) ، regarder (نگاه کردن) ، écouter (گوش دادن)،voyager (مسافرت کردن) ، chercher (جستجو کردن) ، détester (متنفر بودن) ، préférer (ترجیح دادن) و ... را نام برد.

دو فعل envoyer (فرستادن) و aller (رفتن) در این گروه بی قاعده هستند. صرف فعل aller به صورت زیر می باشد:

ما می رویم	nous allons	(نو زالون)	من می روم	je vais	(ژُ وِ)
شما می روید	vous allez	(وو زالِ)	تو می روی	tu vas	(تو وَ)
آنها می روند (مذکر)	ils vont	(ایل وُنْ)	او می رود (مذکر)	il va	(ایلْ وَ)
آنها می روند (مونث)	elles vont	(اِ لْ وُنْ)	او می رود (مونث)	elle va	(اِ لْ وَ)

حرف تعریف

در زبان فرانسه قبل از هر اسم یک حرف تعریف می آید. اگر اسم معرفه باشد (یعنی آن را می شناسیم) برای مذکر از **Le** و برای مونث از **La** استفاده می شود در غیر این صورت اگر آن اسم برای ما ناشناخته بود (نکره) برای مذکر از **Un** و برای مونث از **Une** استفاده می شود.

مثال:

آنها یک خانه دارند	ils ont la maison
آنها خانه ای دارند	ils ont une maison

در مثال اول، ما به فرض ،خانه آن اشخاص را می شناسیم و چون کلمه maison مونث است پس باید از **La** استفاده کنیم. در مثال دوم، به فرض، خانه آن اشخاص را ندیده ایم و نمی شناسیم و فقط می گوییم که آنها خانه ای دارند ، بنابراین باید از **une** استفاده کنیم.

موقعی که جلوی فعلی از حرف تعریف استفاده کنیم آن فعل به اسم تبدیل می شود. به طور مثال :

من مسافرت را دوست دارم	j' aime le voyager
من مسافرت کردن را دوست دارم	j' aime voyager

همانطور که دیده می شود، درجمله اول هدف دوست داشتن مسافرت است ولی در جمله دوم هدف دوست داشتن انجام مسافرت می باشد.

برای کلمات جمع و معرفه از Les و برای نکره از Des استفاده می شود

مثال :

bonjour des amis	سلام دوستان
bonsoir les enfants	عصر بخیر بچه ها

نحوه سوالی کردن

در ابتدا بهتر است با برخی از کلمات پرسشی در زبان فرانسه آشنا شویم :

où (او) کجا
quand (کان) کی ، چه موقع (برای مونث آن : quande)
comment (کُمان) چطور
combien (کُمبی یَن) چند تا
pourquoi (پوق کوآ) چرا
quel (کِل) کدام ، چه (برای مونث آن : quelle)

چند نکته :

۱ - در تلفظ کلمه où باید دقت کرد که با کلمه ou (یا) اشتباه نشود

تلفظ	معنی	کلمه
او	کجا	où
اُ	یا	ou

۲ - می توان کلمه پرسشی را در آخر جمله آورد
مثال :
کجا می روی ؟ tu vas où ? (تو وَ او)
یا اینکه کلمه پرسشی را در ابتدای جمله آورد که در این صورت جای فاعل و فعل عوض می شود (انورسیون)
مثال :
کجا می روی ؟ vas tu où ? (او وَ تو)

۳ - همواره بعد از کلمه combien کلمه de می آید و سپس کلمه ای که می خواهیم شمارش شود
مثال :
چند نوشیدنی می خوری ؟ prends combien de boissons tu ? (کُمْبی یَن دُ بوآسون تو پقان)

۴ - نوع دیگر سوالی کردن، استفاده از **est - ce que** (آیا) می باشد
مثال :
آیا شما ماشین دارید ؟ est - ce que vous avez la voiture ? (اِسْ کُ وو زاوِ لا ووآتوق)

در ترکیب آن با کلمه **que** که در اینجا به معنی (چه) می باشد و در ابتدای جمله قرار می گیرد ، جمله qu' est - ce que حاصل می شود که به معنی (چی ، چه) می باشد
مثال :
تو چی می خوری ؟ qu' est - ce que tu prends ? (کِسْ کُ تو پقان)
نکته : کلمه que در زبان فرانسه دارای معانی زیادی است

est - ce que با تعدای از کلمات پرسشی دیگر نیز ترکیب می شود
مثال :
چه موقع می آیی ؟ quand est - ce que tu viens ? (کاندِسْ کُ تو وِیَن)
تو کجایی ؟ est - ce que tu es où ? (او اِ سْ کُ تو اِ)
کجا می روی ؟ que tu vas où est -ce ? (او اِ سْ کُ تو وَ)

نکته : همانطور که ملاحظه می کنید وقتی کلمه پرسشی در ابتدای جمله همراه با est - ce que می آید دیگر انورسیون نمیشود

۵ - کلمه qui در زبان فرانسه دارای معانی زیادی است. یکی از معانی آن (چه کسی) است و معنی استفهامی دارد

مثال :
کیست ؟ qui est - ce ?
چه کسی می تواند بگوید چند بچه در اتاق است ؟ 'qui peux dire il y a combien d ' enfants dans une chmbre

بعد از کلمه **combien** همواره **de** می آید و بعد از آن کلمه ای که می آید اگر قابل شمارش باشد باید به صورت جمع آورده شود مثلا در مثال فوق چون کلمه **enfant** (بچه) قابل شمارش است به صورت جمع نوشته شده.
البته توجه داشته باشید که تلفظ آن تغییر نمی کند. (کُمبی یَن دان فان)

نکته : یکی از کلمات بسیار مهم در جملات سوالی، کلمه **quoi** است و معادل کلمه **what** در زبان انگلیسی است و به معنی (چی) می باشد. این کلمه هم می تواند در ابتدا و هم در انتهای جمله قرار گیرد.

مثال:
چی می گی؟ tu dis quoi ?

نکته : جمله il y a به معنی (وجود دارد) می باشد و بر عکس آن il n' y a pas (وجود ندارد) است.

و در آخر ، یک جمله سوالی که زیاد مورد استفاده قرار می گیرد :
چه اتفاقی افتاده است ؟ (موضوع چیست) qu' est - ce qui se passe (کِسْ کیسْ پَسْ)
و یک جمله مترادف با جمله فوق:
چی شده ؟ (چی وجود داره) qu' est - ce qu' il y a (کِس کی لی یا)

صفات ملکی

در ابتدا به معرفی صفات ملکی می پردازیم :

جمع	مونث	مذکر	معنی
Mes	Ma	Mon	مال من
Tes	Ta	Ton	مال تو
Ses	Sa	Son	مال او
Nos	Notre	Notre	مال ما
Vos	Votre	Votre	مال شما
Leurs	Leur	Leur	مال آنها

همانطور که ملاحظه می کنید برای کلمات مذکر باید از مالکیت مذکر و برای مونث از مالکیت مونث استفاده کرد.
همچنین اگر کلمه ای که جمع است به مالکیت درآید باید از مالکیت جمع استفاده کرد. در این حالت مذکر و مونث فرقی ندارد.
مثال :
این کتاب من است C' est mon livre
این ماشین تو است ta voiture C' est
این والدین او است est ses parents 'C

تنها نکته ای که در این باره وجود دارد این است که برای کلمات مونثی که با حرف صدادار (a , e , u , o , i , y) شروع می شوند باید از مالکیت مذکر استفاده کرد
مثال :
این دانشگاه من است C' est mon université
دوستم Mon amie

مواردی درباره Accents

آکسان ها به غیر از یک مورد که بر اساس قاعده خاصی به کار می روند بقیه مخصوص یک کلمه هستند و شکل آن کلمه به صورتی است که آکسان دارد. مثلا ما در فارسی می نویسیم (خواهر) و نه (خاهر) ، حال شخصی که فارسی بلد نیست حتما می پرسد چرا می نویسید (خواهر) و چرا (خوا) به جای خا به کار رفت و یا مثلا (خواست) و یا (خویش) . آکسان ها هم در شکل آن کلمه به کار می روند و نمی توان گفت که این آکسان در این کلمه برای چیست همانطور که در فارسی برای (خوا) داشتیم. در کل آکسان ها تقریبا به هر کدام از سه شکل باشند وقتی روی حرف **e** که صدای (اُ) می دهد بیایند صدای آن را به (اِ) مانند فارسی تغییر می دهند. صدای **e** در آخر کلمه تلفظ نمی شود ولی اگر آکسان داشته باشد باید آن را تلفظ کرد.

je préfère (ژُ پ ِ قِفِ ق) من ترجیح می دهم

اما مورد استفاده با قاعده از آکسان ها موقعی است که می خواهیم زمان گذشته بسازیم. زمان گذشته یا به قول فرانسوی ها، پاسه کمپوزه، به دو شکل است یکی برای افعال حرکتی مانند رفتن ، آمدن، خارج شدن و یکی برای افعال معمولی. البته گروه بندی افعال هم موثر است و گذشته افعال دسته سوم به صورت بی قاعده است.

طریقه ساختن زمان گذشته (passé composé) - قسمت اول

ابتدا برای افعال گروه اول که کافیست حرف **r** را از آخر مصدر آن فعل حذف کرده و روی **e** آکسان بگذارید قبل از آن هم فعل کمکی داشتن **avoir** را به صورت متناسب صرف کنید
مثال : در اینجا فعل نگاه کردن را در دو حالت گذشته و حال می بینید

نگاه کردم	j' ai regardé	(ژِ قُگ َ قْ دِ)	نگاه می کنم	je regarde	(ژُ قُ گ َ قْ د)
نگاه کرد	il a regardé	(ایلَ قُگ َ قْ دِ)	نگاه می کند	il regarde	(ایل قُ گ َ قْ د)

در زیر گذشته فعل جستجو کردن برای همه صیغه ها آمده است

j' ai cherché	tu as cherché	il a cherché	elle a cherché
nous avons cherché	vous avez cherché	ils ont cherché	elle ont cherché

برای افعال گروه دوم کافیست حرف **r** را از آخر آن حذف کنید و مانند قبل هم فعل کمکی **avoir** را قبل از آن صرف کنید
مثال: فعل خوابیدن dormir و انتخاب کردن choisir

خوابید	il a dormi	انتخاب کردند	ils ont choisi

ای محاوره نکته چند

در زبان فرانسه نیز به مانند فارسی در محاوره و صحبت های عامیانه تفاوت هایی وجود دارد بین آن چیزی که می نویسند و آن چیزی که می خوانند که به دو جمله زیر توجه کنید

نمی دانم	(ژُ نْ سه پا)	je ne sais pas	من هستم	(ژُ سویی)	je suis

تلفظ معمولی آنها مشخص است ولی تلفظ عامیانه آنها به صورت زیر است

شه پا	je ne sais pas	شوپی	suis je

نکته بعدی درباره کلمه **ne** برای منفی کردن است. در زبان عامیانه این کلمه را در پشت فعل استفاده نمی کنند و فقط از **pas** در آخر آن استفاده می کنند. پس اگر می خواهید زبان عامیانه را یاد بگیرید سعی کنید خود را عادت دهید که فقط برای منفی کردن از **pas** استفاده کنید

je regarde pas نگاه نمی کنم

نکته بعدی درباره کلمه **nous** (ما) است. در زبان عامیانه و حتی در بعضی کتابها به جای **nous** از **on** استفاده می کنند و صرف افعال آن مانند سوم شخص مفرد یا **il** و **elle** است. یکی دیگر از موارد مصرف on زمانی است که می خواهیم در مورد افراد مجهولی صحبت کنیم. مثلا در فارسی این جمله را در نظر بگیرید " میگن برگشتی شیراز" حال در زبان فرانسه به جای کلمه (میگن) می گویند **on**

on mange quoi ?	چی بخوریم ؟
en france on dit quoi ?	در فرانسه چی میگن ؟

طریقه ساختن زمان گذشته (passé composé) - قسمت دوم

گذشته افعال گروه سوم دارای یک قاعده خاص نمی باشد و متغیر است. گذشته افعال گروه سوم باید به مرور زمان با آنها آشنا شد چون متفاوت است. در زیر بعضی از افعال و گذشته آنها نمایش داده شده است

فعل	گذشته	معنی	فعل	گذشته	معنی
dire	dit	گفتن	écrire	écrit	نوشتن
devoir	dû	بایستن	faire	fait	دادن انجام
courir	couru	دویدن	mettre	mis	دادن قرار
connâitre	connu	شناختن	ouvrir	ouvert	کردن باز
boire	bu	نوشیدن	pouvoir	pu	توانستن
voir	vu	دیدن	prendre	pris	خوردن گرفتن،
lire	lu	خواندن	apprendre	appri	گرفتن یاد
vouloir	voulu	خواستن	comprendre	compri	فهمیدن
vivre	vécu	کردن زندگی	savoir	su	دانستن
avoir	eu	داشتن	venir	venu	آمدن

برای مثال

il a fait	انجام داد	j' ai eu	داشتم
nous avons voulu	می خواستیم	tu as dit	گفتی

برای گذشته بعضی از افعال (حسی) به جای استفاده از **Avoir** باید از فعل **être** (که در اینجا کمکی است) استفاده کرد. در زیر بعضی از مهم ترین این فعل ها را می بینید

nâitre	شدن متولد	aller	رفتن
sortir	شدن خارج	venir	آمدن
partir	رفتن	monter	رفتن بالا
passer	گذشتن	descendre	آمدن پایین
mourir	مردن	arriver	رسیدن
		rester	ماندن

تنها نکته ای وجود دارد این است که برای صیغه های مفرد مونث یک **e** و برای صیغه های جمع اگر مذکر است یک **s** و اگر مونث است **es** به آخر فعل اصلی اضافه می شود. توجه داشته باشید که اینها هیچ تاثیری در تلفظ ندارند یعنی نوشته می شوند ولی خوانده نمی شوند. در زیر گذشته فعل **aller** (رفتن) را برای مذکر و مونث می بینید

مذکر	**مونث**
je suis allé	je suis allé**e**
tu es allé	tu es allé**e**
il est allé	elle est allé**e**
nous sommes allé**s**	nous sommes allé**es**
vous etes allé**s**	vous etes allé**es**
ill sont allé**s**	elles sont allé**es**

برای منفی کردن جملات گذشته کافیست فعل کمکی را منفی کنیم. برای مثال

cherché **pas** avons **ne** nous dit **pas** as '**n** tu allé **pas** suis **ne** je

یک نکته گرامری

در زبان فرانسه هنگامی که کلمه **Le** بعد از **De** می آید تبدیل به **Du** می شود. همچنین زمانیکه **Le** بعد از **A** می آید به **Au** تبدیل می گردد. به دو مثال زیر توجه کنید

cinema **au** aller <=	cinema a le aller	(آلِه اُ سینما)	رفتن به سینما
cinema **du** venir <=	cinema de le venir	(وُنیق دوو سینما)	آمدن از سینما

همچنین هنگامی که کلمه **Les** بعد از **De** می آید تبدیل به **Des** می شود و زمانیکه **Les** بعد از **A** می آید به **Aux** تبدیل می گردد. به دو مثال زیر توجه کنید

parents de ma **aux** Celine je presente <= parents de ma femme a les je presente Celine
femme
سلین را به خانواده همسرم معرفی می کنم

jus de **des** je bois <= jus de fruits de les je bois
من آب میوه ها را می نوشم
fruits

طریقه ساختن زمان گذشته نزدیک (passé récent)

برای ساختن این زمان کافیست ابتدا فعل **venir** را برای فاعل صرف کنید سپس کلمه **de** می آوریم و در انتها مصدر فعل اصلی را می نویسیم. این زمان برای مواقعی است که می خواهیم اتفاق افتادن عملی را در چند لحظه پیش بیان کنیم.

je viens de chercher mon ami — دنبال دوستم می گشتم
il vient d' essayer un blouson — یک بلوز را امتحان کردم

طریقه ساختن زمان آینده نزدیک (futur proche)

برای ساختن این زمان کافیست ابتدا فعل **aller** را برای فاعل صرف کنید سپس مصدر فعل اصلی را بنویسید. این زمان برای مواقعی است که می خواهیم اتفاق افتادن عملی را در چند لحظه بعد بیان کنیم. البته فرانسوی ها برای بیان عملی تا فردا یا روز بعد هم از این زمان استفاده می کنند.

je vais aller au cinema — می رم سینما (می خواهم به سینما بروم)
une entreprise mon voisin va créer — همسایه ام یک کارخانه تاسیس خواهد کرد

ضمایر مفعولی

در جدول زیر دو دسته ضمایر مفعولی در مقابل ضمیر فاعلی آن نوشته شده است:

je	**me**	**moi**
tu	**te**	**toi**
il	**le**	**lui**
elle	**la**	**elle**
nous	**nous**	**nous**
vous	**vous**	**vous**
ils	**les**	**eux**
elles	**les**	**elles**

حال بهتر است با دیدن چند مثال با نحوه کاربرد آنها آشنا شوید:

دوستت دارم	je t'aime
او مرا نگاه می کند.	elle me regardes
با من می آیی	moi tu viens avec
من گرسنه هستم. و تو چطور	J'ai faim, et toi ?
من خوبم و شما چطور	je suis bien et toi ?
من فردا می روم پیش آنها	demain, je vais aller chez eux
دوست دارم او را نگاه کنم	la regarder j' aime

همانطور که حتما متوجه شدید، ضمایر moi,toi ,.... معمولا در آخر یک جمله آمده است. همچنین می توان آنها را تنها بکار برد مثلا

چه کسی می رود به ساحل؟ او	Qui va à la plage ? - Lui
تو و او خیلی مهربان هستید	Toi et lui, vous êtes très gentils
کیست؟ منم	qui est ce? c ' est moi

همچنین می توان از آنها برای ملکیت دادن هم استفاده کرد. مثلا

این کتاب تو است. Ce livre est à toi

ولی ضمایر me,te,le ,.... قبل از فعل می آیند. و نمی توانند تنها استفاده شوند. مثال

از تو متشکرم	merci je te
اینو که بهت گفتم می فهمی	tu comprends ce que je t'ai dit

ضمایر موصولی que , qui

از هر دو برای وصل کردن دو جمله استفاده می شود. البته معانی زیادی دارند ولی بعنوان ضمیر موصولی معادل **که** در زبان فارسی هستند. تنها تفاوت آنها در این است که بعد از qui فعل می آید ولی بعد از que باید ضمیر فاعلی نیز ذکر شود.مثال:

فکر می کنم که حق با تو است	raison je pense que tu as
این من هستم که شعرها رو نوشتم	c' est moi qui écris les paroles

یکی از کاربرد های en

از **en** می توان برای جلوگیری از تکرار یک چیز استفاده کرد که معادل **ش** در زبان فارسی می باشد. مثلا زمانی که کسی به شما می گوید کتاب را بردار و شما می گویید بردش می دارم. مکان قرار گرفتن آن در جمله، بعد از ضمیر فاعلی می باشد. مثال

یک کیلو سیب بر می دارم. ازش یک کیلو بر می دارم	je prends un kilo de pommes. j'en prends un kilo
چای می نوشی؟ بله ازش می نوشم (بله می نوشم)	tu bois du thé ? oui,j'en bois

نکته ! ابتدا به اصطلاحاتی که در زیر نوشته شده است توجه کنید و سپس مثال ها را دنبال کنید:

beaucoup	زیاد
assez	کافی
un peu	کم یک
trop	زیاد خیلی

من خیلی اسکی کردم. زیاد انجامش دادم beaucoup de ski. j'en fais beaucoup je fais
شما یک کم ورزش کردید؟شما یک کم انجامش دادید؟ ? en faites un peu vous faites un peu de sport? vous
این قرمز رو خیلی دوست دارم j' aime beaucoup ce rouge
ما به اندازه کافی غذا می خوریم on mange assez
من خیلی زیاد کار می کنم je travaille trop
من به اندازه کافی نمی نوشم je ne bois pas assez
کت خیلی بزرگ است la veste est trop large
جودو به اندازه کافی مشکل است. le judo est assez difficile

تفاوت beaucoup و trés که هر دو به معنی خیلی هستند در این است که beaucoup به همراه یک فعل می آید ولی بعد از trés همواره یک صفت می آید.

من این قرمز رو خیلی دوست دارم j' aime beaucoup ce rouge
این قرمز خیلی زیبا است ce rouge est trés beau

به دو مثال زیر که در زمان گذشته هستند نیز توجه کنید و جایگاه این کلمات را ببینید:

به اندازه کافی خوردم mangé j 'ai assez
خیلی زیاد کار نکردم je n'ai pas trop travaillé

بعضی از لغات و اصطلاحات مهم کاربردی

Fondamentales Quelques Expressions pratiques et

C' est génial	جالب است	Oui	بله
C' est bizarre	عجیب است	Non	نه
C' est beau	زیباست	S'il vous plaît	لطفا
C' est magnifique	باشکوه است	Merci	متشکرم
C' est horrible	وحشتناک است	Merci beaucoup	خیلی متشکرم
C' est incroyable	باورنکردنی است	Bienvenu	خوش آمدید
J' aime	من دوست دارم	Pardon	معذرت می خواهم
J' adore	من خیلی دوست دارم	Excusez - moi	ببخشید
Je déteste	من متنفرم	Bonjour	سلام (صبح و بعد از ظهر)
Voilà	خوب بفرمائید ، آنجاست ،	Bonsoir	سلام (عصر و شب)
Alors	پس ،خوب	Salut	سلام (صمیمانه)
C' est rapide	فوری است	Au revoir	خدانگهدار
Formidable	جالب است	A bientôt	به زودی می بینمت
Quelle est votre nom	اسم شما چیست	Monsieur	آقا
Quelle est votre nationalité	ملیت شما چیست	Madame	خانم
De quelle couleur est	چه رنگی است	Mademoiselle	دوشیزه
C' est intéressant	جالب است	Mari	شوهر
Bonne journée	روز بخیر	Femme	همسر

comment allez vous	حال شما چطور است	Vous habitez oú	کجا سکونت دارید

va ça	چطوری ، خوبست ؟	bien Très	عالی است، آفرین
bien ça va	خوبم	Enchanté	خوشبختم
mal ça va	خوب نیستم	ça Comme	همینه
quelles nouvelles	چه خبر ؟	votre avis À	به نظر شما
qui	جه کسي؟ کي؟	tout Pas du	اصلا اینطور نیست
est - ce qui	او کیست؟	Sûr	مطمئن
quoi	چی؟	Sûrement	مطمئنا
qu'est - ce que c'est	این چیست؟	sûr Tu en es	تو مطمئنی؟
est - ce que ça veut dire 'qu	آن چه معنی می دهد؟	fait ça	می شود
quand	چه وقت؟ کی؟	aime 'Je t	دوستت دارم
est vrai 'c	درست است	l'aime Je	دوستش دارم
pourquoi	چرا	aime Je les	دوستشان دارم
moment un	یک لحظه	va Comment ça	حالت چطوره ؟
comprends je	من فهمیدم	roule ça	چطوری ؟
comprends pas je ne	من نفهمیدم	bouge ça	چطوری ؟
ce que vous comprenez - est	آیا متوجه می شوید؟	mal Pas	بد نیستم
est pas important 'ce n	مهم نیست	neuf Quoi de	چه خبر ؟
aller ça va	خوبم ، همه چی خوبه	Rien de nouveau	خبری نیست
excusez moi de vous déranger	ببخشید که زحمت دادم	rien De	خواهش می کنم
laissez - moi tranquille	راحتم بگذارید	quoi Pas de	فراموشش کن
fois merci mille	ممنون	désolé Je suis	متاسفم
vous en prie je	خواهش می کنم (رسمی)	appétit Bon	نوش جان
en prie 'je t	خواهش می کنم (خودمانی)	demain A	فردا می بینمت

votre santé a	به سلامتی شما	prochaine A la	تا یه وقت دیگه
souhaits à vos	عافیت باشه (رسمی)	envie j' ai	میل دارم
souhaits à tes	عافیت باشه (خودمانی)	a il y	وجود دارد
servi - est	غذا حاضر است	mieux tant	چه بهتر
t'intresse ça	برایت جالب است	pis tant	چه بد
en ai assez 'j	حوصله ام سر رفته	assez	کافی
ai marre j' en	حوصله ام سر رفته	abondant	فراوان
nuit Bonne	شب بخیر (هنگام خواب)	santé à ta	به سلامتی تو
est important 'c	مهم است	frère	برادر
rien de	قابلی ندارد	soeur	خواهر
veuillez	لطفا	père	پدر
sûr bien	البته	mère	مادر
pige codal je	هیچی نمی فهمم	gueule ta	خفه شو
patati patata	چرت و پرت	sang bon	لعنت بر شیطون
suis tromper je me	اشتباه کردم	tomber laisse	بی خیال
regarde pas ça te	به تو چه	faute c' ete ma	تقصیر من بود

موقعیت ها

در این قسمت سعی شده است تا برخی از کلمات و همچنین مکالماتی که در یک موقعیت خاص یا درباره یک چیز بخصوص وجود دارد ، قرار داده شود مثلا موقعی که به مطب دکتر می رویم چه چیزی باید بگوییم.

خداحافظی کردن

خداحافظ	au revoir
فردا میبینمت	à demain
بزودی می بینمت! به امید دیدار!	à bientôt
موفق باشید	chance bonne
شب بخیر	bonne nuit
سفر بخیر! سفر خوش بگذرد	bon voyage
از آمدنتان خیلی ممنونم	je vous remerci de votre visite
متاسفانه باید برویم	malheureusement nous devons partir
به امید دیدار دوباره	revoir au plaisir de vous
خیلی ممنون	merci beaucoup
خیلی به من خوش گذشت	a m' a beaucoup plul

ورود به یک کشور

کنترل گذرنامه	le contrôle du passeport
کارت شناسایی	la pièce d' identité
برگ هویت	fiche d' identité
بازدید اسباب و اثاثیه	le contrôle des bagages
دفتر گمرک	le bureau de la douane
مامور گمرک	le douanier
راهرو ، مدخل	la passerelle
چمدان	la valise
گمرک کجاست؟	où est la douane ?
این گذرنامه من است	voici mon passeport
این مال من نیست	ceci n' est pas à moi
آیا اثاثیه دیگری هم دارید؟	avez - vous d' autres bagages ?
اثاثیه من بازبینی شده اند	été examinés mes bagages ont
باربر	le porteur
آیا چیز قیمتی دارید؟	avez vous des objets de valeur ?
من هنوز نمی دانم	encore je ne sais pas
می توانم بروم؟	je peux partir ?
این چمدان را باز کنید	ouvrez cette valise

چیزی همراه ندارم که به مامور گمرک اطلاع دهم	je n' ai rien à déclarer
آیا چیزی دارید که حقوق گمرکی به آن تعلق گیرد	avez - vous quelque chose à déclarer
من نمی دانستم که باید پولی می پرداختم	je ne savais pas que je devais payer
من نمی توانم باربرم را پیدا کنم	je ne peux pas trouver mon porteur
نمی توانم چمدانم را باز کنم	je ne peux pas ouvrir ma valise
تمام آن برای مصرف شخصی من است	tout cela est pour mon usage personnel
من باید چقدر بپردازم	combien est - ce que je vous dois

در هتل

le bureau d' information	دفتر اطلاعات
hôtel est où ?	هتل کجاست؟
la chambre à une personne	اطاق خواب یک نفره
la chambre à deux personnes	اطاق خواب دو نفره
est - ce très cher ?	آیا خیلی گران است؟
avez - vous des chambres libres ?	آیا اطاق های خالی دارید؟
je voudrais une chambre tranquille	من یک اطاق آرام می خواهم
vous n' avez rien de moins cher ?	چیز ارزان تری ندارید؟
puis - je voir la chambre ?	آیا می توانم اطاق را ببینم؟
l' appartement	آپارتمان
le bungalow	ویلای یک طبقه
donnez - moi la clé de ma chambre	کلید اطاقم را به من بدهید
deux lits	دو تخت
quel est le prix d' une chambre par nuit ?	قیمت یک اطاق شبی چقدر است؟
je voudrais réserver une chambre	من می خواهم یک اطاق رزرو کنم
je déjeunerai dans ma chambre	غذا را داخل اطاقم می خورم
vous rester - temps voulez combien de ?	چه مدت می خواهید بمانید؟

le voyageur	مسافر
avec douche	با دوش
l' étage	طبقه
la salle de séjour	اطاق نشیمن
	اطاق
sans repas	بدون غذا
l' ascenseur	آسانسور
les toilettes	توالت
la secrétaire	منشی
les employés de l' hôtel	کارکنان هتل

در آرایشگاه

que je peux prendre un rendez - vous pour cinq heures est - ce ?	آیا می توانم برای ساعت پنج وقت بگیرم؟
je voudrais me faire couper les cheveux	می خواهم موهایم را کوتاه کنم
je voudrais un shampooing	من شستشو با شامپو می خواهم
je voudrais me faire décolorer les cheveux	می خواهم موهایم را رنگ کنید
) je veux un shampoing pour les cheveux raides) secs, gras	من یک شامپو برای موهای لخت (خشک، چرب) می خواهم
je ne veux pas de laque	من تافت نمی خواهم
veuillez me raser	لطفا صورتم را اصلاح کنید
la raie à gauche / à droite	فرق به چپ / راست
la mèche	میش
la laque	تافت
le séchoir	سه شوآر
couper	اصلاح کردن

در رستوران

زمان وعده های غذا	quand prendre le repas
صبحانه	le petit déjeuner
نهار	le déjeuner
شام	le dîner
صرف غذا در رستوران	au restaurant
من گرسنه / تشنه هستم	j' ai faim / soif
یک چنگال به من بدهید	donnez - moi une fourchette
من یک پیش غذا می خواهم	je voudrais une entrée
یک میز در ... می خواهم	je voudrais une table ...
ما ساعت ۸ می آییم	nous venons à 8 heures

کجا می توانم یک رستوران خوب پیدا کنم؟	où puis - je trouver un bon restaurant ?
آیا یک میز برای چهار نفر دارید؟	avez - vous une table pour quatre personnes ?
لطفا لیست غذا (منو) را به ما بدهید	voulez - vous nous donner le menu s' il vous plaît
ممکن است لطفا ... برایمان بیاورید؟	est - ce que vous pourriez nous apporter ... s' il vous plaît

یک بشقاب	une assiette	سرکه	le vinaigre
یک بطری ...	une bouteille ...	کره	le beurre
یک لیوان	un verre	نان	le pain
یک فنجان	une tasse	روغن	l' huile
یک قاشق	une cuillère	فلفل	le poivre
چند تا کبریت	des allumettes	شکر	le sucre
یک چاقو	un couteau	نمک	sel le
یک دستمال سفره	une serviette		
یک چنگال	une fourchette		

یک شیر کاکائوی گرم	un chocolat chaud	گوشت	la viande
یک قهوه سیاه	un cafénoir	برنج	le riz
یک آب پرتغال	un jus d' orange	سالادها	les salades
آب معدنی گازدار	eau gazeuse 'de l	سبزیجات	les légumes
یک چای	un thé	خاویار	le caviar
شیر	le lait	سس	la sauce
تخم مرغ ها	les oeufs	قارچ	champignon le
عسل	le miel	جوجه، مرغ	le poulet
مربا	la confiture	کباب	le rôti
پنیر	le fromage	بوقلمون	la dinde
غذای گرم	repas chaud	سوپ	la soupe
غذای سرد	repas froid	چیپس	chips
غذای سبک	un repas léger	ماکارونی	les macaronis
دسر	le dessert	بستنی	la glace
نوشیدنی ها	les boissons	پیراشکی	le beignets
ماهی	le poisson	شیرینی	le gâteau
میوه	le fruit	نان خامه ای	la meringue

البسه و پوشاک و لوازم فرعی

لباس شنا، مایوی زنانه	le maillot de bain	کفش	la chaussure
سینه بند	le soutien - goroe	دمپایی	la pantoufle

بلوز	le chemisier	یک جفت ... می خواهم	paire je voudrais nue ...
شلوار	le pantalon	پاشنه کش	le chausse - pied
کیف دستی	le sac à main	کفش اسکیت	patin à roulettes
دامن تنگ	serrée jupe	پوتین	la botte
کلاه	le chapeau		
جوراب شلواری	le collant		
جوراب کوتاه	socquette la		
پیراهن زنانه	la robe		
لباس زیر	le sous - vêtement		
زیر پوش زنانه	la combinaison		
بوتیک لباس فروشی	le prêt - à - porter		
پیراهن مردانه	la chemise		
تی شرت	le tee - shirt		
دستمال	le mouchoir		
دستکش	le gant		
دامن	la jupe		
شورت	la culotte		
روسری	le foulard		
کراوات	la cravate		
کت	la veste / le veston		

این ... خیلی خوب به شما می آید	ce (cette, cet) ... vous va très bien
آیا اندازه بزرگتر / کوچکتر دارید؟	grand / plus petit est - ce qu' il y a plus ?
من واکس می خواهم	je voudrais le cirage
آیا می توانید این کفش ها را تعمیر کنید؟	réparer ces chaussures pourriez - vous ?
می خواهم پاشنه آنها را عوض کنم	je voudrais changer leurs talons
چه وقت حاضر می شود؟	quand seront elles prêtes ?

تبریکات و آرزوها

کریسمس مبارک	joyeux noël
سال نو مبارک	bonne année
تولدت مبارک	bonne anniversaire
تبریک	félicitations
موفق باشید	bon courage
آرزوی سال خوبی را برای شما می کنیم	vous souhaitons une bonne année nous
با بهترین آرزوی سال نو برای شما	meilleurs voeux pour la nouvelle année
با صمیمانه ترین درودها	bien affectueusement

پـزشک

appeler un médecin pouvez - vous faire ?	آیا ممکن است برایم یک پزشک بیاورید؟
a quelle heure reçevez - vous ?	در چه ساعتی شما بیماران را می پذیرید؟
motif de votre visite quel est le ?	علت مراجعه شما چیست؟
pouvez - vous m' indiquer un médecin ?	آیا می توانید یک پزشک به من معرفی کنید؟
voir quand reviendrez - vous me ?	چه وقت دوباره می آیید و مرا می بینید؟
où est le cabinet du médecin ?	مطب (پزشک) کجاست؟
expliquez - moi un peu son état	راجع به وضعش (بیماری) برای من بگویید
me donner un rendez - vous pouvez - vous ?	آیا ممکن است یک وقت ... به من بدهید؟
vous devez faire une analyse du sang	شما باید آزمایش خون بدهید

le généraliste	پزشک عمومی
le pédiatre	پزشک اطفال
l' oculiste	متخصص چشم
le gynécologue	پزشک زنان
le neurologue	متخصص اعصاب
le dentiste	دندانپزشک
entérologue - le gastro	متخصص دستگاه گوارش
le dermatologue	متخصص بیماریهای پوست
le psycholoque	روانشناس
l' urologue	متخصص مجاری ادرار

la bouche	دهان	le bras	بازو
la cou	گردن	le pied	پا
le nez	بینی	le sein	پستان، سینه
les reins	کلیه ها	la poitrine	سینه
l' oeil	چشم	l' os	استخوان
l' oreille	گوش	le coude	آرنج
l' épaule	شانه	le visage	صورت
la jambe	ساق پا	la gorge	گلو
la langue	زبان	main la	دست
doigts les	انگشتان	le coeur	قلب
estomac 'l	معده	la tête	سر
la cuisse	ران	la peau	پوست
		le genou	زانو
		le foie	کبد
		les poumons	شش ها

je ne suis pas bien	حالم خوب نیست
je suis malade	مریضم
j' ai mal à la tête	سرم درد می کند
un peu de fièvre j' ai	کمی تب دارم
je suis enrhumé	زکام شده ام
je suis très enrhumé	به شدت سرما خوردم
mal à l' estomac	گلو درد
le rhume	سرماخوردگی
intoxication alimentaire	مسمومیت غذایی
une douleur 'je souffre d	من از دردی رنج می برم
je ne me sens pas bien	حالم خوب نیست

Vocabulaire لغات نامه

در این قسمت برخی از لغاتی که در سراسر سایت از آنها استفاده شده بعلاوه لغات جدیدتری قرار گرفته است.
شما می توانید با انتخاب حرف مورد نظر ، از جدول زیر به قسمت مربوطه بروید.

A	**B**	**C**	**D**	**E**	**F**	**G**	**H**	**I**	**J**	**K**	**L**	**M**
N	**O**	**P**	**Q**	**R**	**S**	**T**	**U**	**V**	**W**	**X**	**Y**	**Z**

حرف A :

Acheter	خریدن	Arriver	رسیدن
Affaire	امر، وسایل	Art	هنر
Âge	سن	Artiste	هنرمند
Aider	کمک کردن	Asseoir	نشستن
Aimer	دوست داشتن	Assis	نشسته
Aller	رفتن	Assiette	بشقاب
Ami	دوست	Attendre	منتظر ماندن
An, année	سال	Attention	توجه، دقت
Appareil	دستگاه	Faire attention	توجه کردن
Apporter	آوردن	Aujourd' hui	امروز
Apprendre	یاد گرفتن	Autobus	اتوبوس
Après	بعد	Automne	پاییز
Après - midi	بعد از ظهر	Avec	با
Arbre	درخت	Avoir	داشتن
Argent	پول		

حرف B :

Bain	حمام	Boucher	قصاب
Bas, basse	آهسته، کوتاه	Boulanger	نانوا
Beau, belle	زیبا	Boulangerie	نانوایی
Beaucoup	خیلی، بسیار	Briller	درخشیدن
Besoin	احتیاج	Brosse	برس
Beurre	کَره	Brosse à dents	مسواک
Bicyclette	دوچرخه	Bureau	اداره، دفتر، میز
Bien	خوب		
Boire	نوشیدن		
Boîte	جعبه		
Bon, bonne	خوب		
Bonjour	سلام		
Bonsoir	عصر به خیر		
Bouche	دهان		

حرف C :

Café	قهوه، کافه
Ce , Cet , Cette	این
Chaise	صندلی
Chambre	اطاق خواب
Chanter	آواز خواندن
Chapeau	کلاه
Chaque	هر
Chat , chatte	گربه
Chaud	گرم
Chaussure	کفش
Chemise	پیراهن
Cher	گران، عزیز
Cheval	اسب
Cheveu	موی سر
Chez	نزد، مطب، کشور، خانه
Chien	سگ
Chose	چیز
* quelque chose	چیزی
Ciel	آسمان
Cigarette	سیگار
Cinéma	سینما
Classe	کلاس
Combien	چند، چقدر، چند تا
Comme	مثل، همانطور که
Commencer	شروع کردن
Comprendre	فهمیدن
Connaître	شناختن
Construire	ساختن
Content	راضی، خوشحال
Corde	طناب
Corps	بدن
Coudre	دوختن، خیاطی کردن
Couleur	رنگ
Courage	شجاعت، همت
Courir	دویدن
Court	کوتاه
Couteau	کارد
Coûter	قیمت داشتن
Couturière	خیاط زن
Cravate	کراوات
Crayon	مداد
Cuillère	قاشق
Cuisine	آشپزخانه
Cuisinière	اجاق

حرف D :

Dame	خانم
Danger	خطر
Dangereux	خطرناک
Dans	در
Debout	ایستاده ، سر پا
Début	ابتدا ، اوایل
Décider	تصمیم گرفتن
Déjeuner	ناهار
* Petit Déjeuner	صبحانه
Déjeuner	ناهار خوردن
Demain	فردا
Demander	تقاضا کردن
Demi	نصف ، نیم
Dent	دندان
Depart	سفر ، حرکت
Dernier	آخرین
Devant	جلو
Devenir	گردیدن ، شدن
Dieu	خدا
Difficile	مشکل
Dire	گفتن
Directeur	مدیر
Doigt	انگشت
Docteur	دکتر ، پزشک
Donner	بخشیدن ، دادن
Dormir	خوابیدن
Droit	راست ، مستقیم
Drôle	مضحک ، عجیب

Derrière	عقب ، پشت سر
Descendre	پایین رفتن
Dessiner	نقاشی کردن

حرف E :

Eau	آب
École	دبستان
Écouter	گوش دادن
Écrire	نوشتن
Électrique	برقی
Élève	دانش آموز
Employé	کارمند
En	در
Encore	هنوز ، دوباره
Enfant	بچه ، فرزند
Entrer	داخل شدن
Épicier	بقال
Essuyer	خشک و پاک کردن
Et	و
Étage	طبقه
Été	تابستان
Être	بودن
Étroit	تنگ، کم عرض
Étude	تحصیل
Evier	ظرفشویی

حرف F :

Finir	تمام کردن
Fleur	گل
Fois	باز ، دفعه
Fort	نیرومند، قوی
Fourchette	چنگال
Fraîche	خنک، سرد
France	فرانسه
Frapper	زدن
Froid	سرد، سرما
Fromage	پنیر
Front	پیشانی
Fruit	میوه
Facile	آسان
Faim	گرسنگی
* Avoir faim	گرسنه بودن
Faire	کردن، انجام دادن
Famille	خانواده
Fatigué	خسته
Faut	باید، لازم است
Femme	زن
Fenêtre	پنجره
Fermer	بستن
Feu	آتش
Feville	برگ
Fièvre	تب
Fille	دختر
Film	فیلم
Fin	ظریف
Fin	پایان

حرف G :

Gagner	برنده شدن
Gagner	بدست آوردن
Garage	گاراژ
Garçon	پسربچه
Gare	ایستگاه راه آهن
Gauche	چپ
Gaz	گاز
Gens	مردم
Gentille ,Gentil	خوب، مهربان
Grande , Grand	بزرگ
Grand père	پدر بزرگ
Grande mère	مادر بزرگ
Gris , Grise	خاکستری
Guérir	معالجه کردن

حرف H :

Habiller	لباس پوشاندن
Habit	لباس
Habiter	سکونت داشتن
Haut	بلند
Herbe	گیاه، علف
Heure	ساعت
Hier	دیروز
Hiver	زمستان
Homme	مرد، انسان
Hôpital	بیمارستان
Hôtel	مسافرخانه

حرف J :

Jardin	باغ
Jaune	زرد
Jeudi	پنجشنبه
Joli , Jolie	قشنگ
Jouer	بازی کردن
Jour	روز

Journal	روزنامه
Jusqu à	تا

حرف L :

Lait	شیر (خوردنی)
Lampe	چراغ
Lavabo	دست شویی
Laver	شستن
Leçon	درس
Léger	سبک
Lettre	نامه
Lever	بلند کردن
Lire	خواندن
Lit	رختخواب
Loin	دور
Long, Longue	دراز
Longtemps	مدتی
Lourd	سنگین
Lundi	دوشنبه
Lunettes	عینک

حرف M :

Machine	دستگاه، ماشین
Magasin	مغازه
Maintenaint	حالا
Mais	اما، ولی
Maison	خانه
Maître	آموزگار
Mai	بد
Malade	بیمار
Manger	خوردن
Manteau	مانتو
Marché	بازار
Marcher	راه رفتن
Mardi	سه شنبه
Matin	صبح
Mauvais, Mauvaise	بد
Médecin	پزشک
Médicament	دارو
Ménagère	خانه دار
Menton	چانه
Menuisier	نجار
Mer	دریا
Mercredi	چهار شنبه
Mère	مادر
Mettre	گذاشتن
Meuble	وسایل منزل
Midi	ظهر
Mille	هزار
Moi	من
Mois	ماه
Moitié	نصف
Monde	دنیا
Monter	بالا رفتن
Montre	ساعت مچی
Mot	کلمه
Montrer	نشان دادن
Morceau	قطعه
Mouchoir	دستمال
Mouton	گوسفند
Mur	دیوار

حرف N :

Nécessaire	لازم
Neige	برف
Neiger	برف باریدن
Nez	بینی
Noir, Noire	سیاه
Nom	نام
Note	نمره
Nouveau, Nouvelle	تازه
Nuit	شب

حرف O :

Obligé	مجبور
Oeil	چشم
Oeuf	تخم مرغ
Offrir	هدیه کردن
Oncle	عمو
Orange	پرتغال
Oreille	گوش
Ou	یا
Où	کجا
Oublier	فراموش کردن
Outil	ابزار
Ouvrir	باز کردن

حرف P :

Pain	نان
Pantalon	شلوار
Père	پدر
Papier	کاغذ
Parapluie	چتر
Pardon	ببخشید
Parents	والدین
Parler	حرف زدن
Partie	قسمت
Partir	رفتن، عزیمت کردن
Pauvre	فقیر
Payer	پرداختن
Pays	کشور
Pendant	هنگام، مدت
Pendre	آویختن
Penser	فکر کردن
Perdre	گم کردن، باختن
Personne	نفر، شخص
Personne	هیچکس
Petit, Petite	کوتاه، کوچک
Peu	کم
Peur	ترس
Photo	عکس
Pièce	اطاق، سکه، قطعه
Planche	تخته
Plante	گیاه
Plein	پر
Pleurer	گریه کردن
Pleuvoir	باران باریدن
Plus	دیگر، تر (تفضیلی)
Polie , Poli	مودب
Police	پلیس
Pomme	سیب
Porte	در
Porter	بردن، دربر داشتن
Poste	اداره پست
Poste	دستگاه
Poupée	عروسک
Pouvoir	توانستن
Prendre	برداشتن، گرفتن
Préparer	آماده کردن
Près de	نزدیک
Printemps	بهار
Prochain	آینده، بعدی

حرف Q :

Que	که، چه؟، چقدر؟
Quel, Quelle	کدام، چه
Quelque	چند
Quelque chose	چیزی
Quelque temps	مدتی
Quelque un	کسی
Question	سوال
Qui	که، چه کسی؟

حرف R :

Radio	رادیو
Rare	نادر، کمیاب
Rasoir	ریش تراش
Recevoir	دریافت کردن
Regarder	نگاه کردن
Remplacer	جایگزین کردن
Rendre	پس دادن
service Rendre	خدمت کردن
Repas	غذا
Reposer	استراحت کردن
Restaurant	رستوران
Rester	ماندن
Réveiller	بیدار کردن
Rien	هیچ
Robe	پیراهن زنانه
Rond	گِرد
Rose	گل سرخ
Rose	صورتی
Rouge	قرمز
Rue	کوچه

حرف S :

Sac	کیف، کیسه
Saison	فصل
Sallle	اطاق
Salle à manger	ناهار خوری
Salon	اطاق پذیرایی
Samedi	شنبه
Sans	بدون، بی
Sauter	پریدن، جهیدن
Savoir	دانستن
Savon	صابون
Sel	نمک
Semaine	هفته
Service	خدمت
militaire Service	خدمت نظام
Serviette	کیف
Seule ,Seul	تنها
Si	اگر، چرا
Silence	سکوت
Soeur	خواهر
Soif	تشنگی
Soigner	معالجه کردن
Soin	مواظبت
Soir	عصر، شب
Soldat	سرباز
Sortir	بیرون رفتن
Soupe	سوپ
Souriant	خندان
Sourire	لبخند زدن
Sous	پایین، زیر
Souvent	غالبا
Sucre	قند، شکر
Sur	بالای، روی
Surtout	خصوصا

Soleil	خورشید
Sommeil	خواب

حرف T :

Table	میز
Tableau	تابلو
Tailleur	خیاط (مرد)
Télévision	تلویزیون
Temps	وقت، هوا
Terre	زمین
Tête	سر
Thé	چای
Théâtre	تماشاخانه
Tissu	پارچه
Toi	تو
Toilette	آرایش، نظافت
Tomber	زمین خوردن، افتادن
Tôt	زود
Toujours	همیشه
Tousser	سرفه کردن
Tout	همه چیز
Tout le monde	همه کس
Train	قطار
Tranquille	آرام، آسوده
Travail	کار
Travailler	کار کردن
Très	خیلی، بسیار
Trop	زیاد
Trou	سوراخ

حرف U :

Usine	کارخانه
Utile	سودمند

حرف V :

Vacances	تعطیلات
Valise	چمدان
Vendre	فروختن
Vendredi	جمعه
Venir	آمدن
Vite	تند، زود
Voir	دیدن
Voisin	همسایه
Voiture	اتومبیل
Voler	پرواز کردن

Vent	باد
Vérité	حقیقت
Verre	شیشه، لیوان
Vert, Verte	سبز
Viande	گوشت
Vie	زندگی
Vieux, Vieille	پیر
Ville	شهر
Vin	شراب

Voler	دزدیدن
Voleur	دزد
Vouloir	خواستن
Voyage	سفر
Vrai	راست درست

شخصیت Personnalité

براي توصيف يك شخص از صفات توصيفي كه پر كاربرد ترين آنها در زير ذكر شده اند استفاده مي شود .

sportif	ورزشکار
courageux	شجاع
amical	دوستانه - خونگرم
stupide	کند ذهن ، احمق
drôle	با مزه
travailleur	کاري
intéressant	دلچسب و جالب
faible	ضعیف
gentil	مهربان
sympathique	نازنین، مودب، نجیب
sans préjugés	روشن فکر
ouvert	خوش سفر
patient	صبور
patriotique	میهن دوست
intelligent	باهوش

raffiné	خبره و ماهر
fort	نیرومند و قوی
studieux	درسخوان
lâche	نامرد
froid	غیر دوست
sérieux	جدی
paresseux	تنبل
ennuyeux	ملال آور
méchant	میانه رو
snob	پر افاده و مغرور
timide	خجالتی
impatient	بی حوصله و نا شکیبا
naïf	ساده و بي ريا
taquin	سر به هوا

مثال :

il est trés drôle او خیلی با مزه است

c'est un garçon sportif او یک پسر ورزشکار است

وضعیت آب و هوا La météo

در ابتدا به کلمات زیر توجه کنید:

آسمان	le ciel	رعد و برق	l'orage
باران	la pluie	طوفان	la tempête
خورشید	le soleil	اشعه درخشان	l'éclair
ابر	le nuage	باد	le vent
گزارش هواشناسی	le bulletin météo	رنگین کمان	l'arc-en-ciel
برف	le neige	آب و هوا	le temps

برای سوال کردن درباره آب و هوا از سوال زیر استفاده می شود :

هوا چطور است ؟ Quel temps fait-il ?

جواب این سوال می تواند بصورت های زیر باشد :

هوا سرد است	Il fait froid
هوا خنک و آرام است	Il fait frais
هوا بد است	Il fait mauvais
هوا گرم است	Il fait bon
هوا آفتابی است	Il fait du soleil
هوا گرم است	Il fait doux
هوا خوب و رضایت بخش است	Il fait beau
هوا داغ است	Il fait chaud
چه هوای داغی	Quelle chaleur
هوا گرم است	Il fait doux
هوا بادی است	Il fait du vent
هوا آفتابی است	Il fait du soleil

Il fait du brouillard	هوا مه آلود است
Il fait nuageux	هوا ابری است
Il fait orageux	هوا طوفانی است
Il pleut	هوا بارانی است
Il pleut à verse	با بارش همراه است
Il neige	هوا برفی است
Il gèle	بسیار سرد است

یک اصطلاح: موقعی که هوای بدی است فرانسوی ها از جمله **Le temps de couchon** استفاده می کنند.

در اخبار هواشناسی و در کنار نقشه جغرافیایی از کلمات زیر استفاده می شود:

Ensoleillé	آفتابی
Éclaircies	نیمه ابری
Nuageux	ابری
Couvert	ابری (ابر باران)
Averses	رگبار
Pluies	بارانی
Orage	رعد و برق
Tempête	طوفانی
Neigé	برفی

Les jours et la Date روزها و تاریخ

در ابتدا بهتر است با روز های هفته در فرانسه آشنا شویم :

Lundi	لَنْدی	دوشنبه
Mardi	مَقْدی	سه شنبه
Mercredi	مِقْ کُ دی	چهارشنبه
Jeudi	ژُ دی	پنجشنبه
Vendredi	وانْ دْ قُ دی	جمعه
Samedi	سَمُدی	شنبه
Dimanche	دی مانش	یکشنبه

برای پرسیدن اینکه در کدام یک از روز های هفته هستیم از جمله زیر استفاده می شود

Quel jour sommes nous aujourd' hui ? امروز چه روزی هستیم ؟

برای پرسیدن اینکه امروز چندم است از یکی از جملات زیر استفاده می شود

Quel jour sommes - nous ?	ما در چه روزی هستیم؟ (چندم است)
hui 'Le combien sommes - nous aujourd ?	
Nous sommes le combien aujourd' hui ?	

و برای جواب دادن به سوال بالا مثلا می گوییم

C' est le six avril	ششم آوریل است
C' est le quatre août	چهارم اوت است

در زیر به کلمات مفیدی در ارتباط با زمان اشاره شده است

Demain	فردا	Le Matin	در صبح
Après - demain	پس فردا	Le midi	در ظهر
Il y a deux jours	دو روز قبل	Pendant la journée	در طول روز
La semaine dernière	هفته قبل	L' après midi	در بعد از ظهر
La semaine prochaine	هفته بعد	La soirée	در عصر، در شب
Pendant la semaine	در طول هفته	La nuit	در شب
Les vacances	تعطیلات	A minuit	در نصف شب
L' anniversaire	روز تولد	Avant - hier	پریروز
Le jour férié	روز تعطیل عمومی	Hier	دیروز
Le jour ouvrable	روز کاری	Aujourd' hui	امروز

ماه‌های میلادی Les mois

ماه‌های میلادی با تلفظهای فرانسوی در زبان فارسی مصطلح هستند :

- ژانویه Janvier
- فوریه Février
- مارس Mars
- آوریل Avril
- مه Mai
- ژوئن Juin
- ژوئیه Juillet
- اوت Août
- سپتامبر Septembre

- اکتبر Octobre
- نوامبر Novembre
- دسامبر Décembre

فصل ها Les saisons

بهار	Le printemps	(لُ پ ِ قَنْ تان)
تابستان	L' été	(لِ ت)
پاییز	L' automne	(لُ تُ نْ)
زمستان	L' hiver	(لی وقْ)
در بهار	printemps Au	(اُ پ ِ قَنْ تان)
در تابستان	En été	(آن اِ ت ِ)

متضاد ها *Les Antonymes*

در این قسمت با بعضی از کلمات متضاد آشنا می شویم

بیرون، خارج	Dehors	داخل، درون، تو	Dedans
نزدیک	Près	دور	Loin
آسان	Facile	دشوار	Difficile
خوب	Bon	بد (مذکر)	Mauvais
خوب	Bonne	بد (مونث)	Mauvaise
ارزان	Bon marché	گران	Cher
بزرگ	Grand	کوچک	Petit
درست	Juste	غلط	Faux

Léger	سبک	Lourd	سنگین
Bas	پایین	Haut	بالا
Fermé	بسته	Ouvert	باز
Jeune	جوان	Vieux	پیر
Neuf	نو (مذکر)	Vieux	کهنه
Neuve	نو (مونث)	Vieille	کهنه
Lentement	آهسته	Vite	تند
Vide	خالی	Plein	پر
Occupé	اشغال	Libre	آزاد
Tard	دیر	Tôt	زود
Froid	سرد	Chaud	گرم
Devant	جلو	Derrière	پشت
Prochain	بعدی	Dernier	قبلی

conjonctions , adverbes , prépositions حروف اضافه ، حروف ربط ، قیدها

در این قسمت برخی از مهمترین حروف اضافه، ربط و قید آمده است

A	به ، با	**Très**	بسیار ، خیلی
Après	بعد ، پس از	**Trop**	زیادی ، بیش از اندازه
Avant	قبل ، پیش	**Vraiment**	واقعا ، به راستی
Avec	با	**Tellement**	به قدری ، از بس
A cause de	به علت	**Personne**	هیچکس
Aussi , également	نیز ، همچنین	**Pour**	برای
Comment	چطور ، چی	**Près de**	نزدیک
De	از	**Sous**	زیر ، در زیر
Derrière	عقب ، پشت سر ، پشت	**Souvent**	غالبا ، بیشتر اوقات
Devant	جلو ، پیش	**Tout à fait**	کاملا ، به کلی
En	در ، به	**Parce que**	برای اینکه ، چون
Donc	پس ، بنابراین	**Parfois**	گاهی
Encore	هنوز ، دوباره ، باز	**Alors que**	در حالی که

Et	و	**A la fois**	با هم ، همزمان
Mais	اما	**Au Fait**	روی هم رفته
Ou	یا	**Du Fait de**	به علت
Méme	حتی	**Sans quoi**	وگرنه
Là	آنجا	**Tant que**	هر قدر که ، هر مقدار که
Par	بوسیله ، ازطریق	**Tout à coup**	ناگهان
Sur	روی ، در روی	**Toujours**	همیشه
Sans	بی ، بدون	**Peut - être**	شاید
Si	اگر ، چرا (بله)		

ملیت ها *Nationalité*

در زبان فرانسه برای بیان ملیت و قاره از فعل être (بودن) استفاده می شود. ملیت ها (به جز چند استثنا) برای مذکر و مونث متفاوت است.
مثال :

او ایرانی است (برای مذکر)	il est iranian
او ایرانی است (برای مونث)	elle est iranianne
شما آسیایی هستید (برای مذکر)	asiatique vous êtes

معمولا برای سوال و جواب در این رابطه، مانند مثال زیر عمل می شود :

- ملیت شما چیست (اهل کجا هستید) quelle est votre nationalité ?
- من ایرانی هستم je suis iranian

نام ملیت	مذکر	تلفظ	مونث	تلفظ
ژاپنی	japonais	ژاپُن ِ	japonaise	**ژاپُنِز**
سوئیسی	suisse	سوئیس	suisse	**سوئیس**
اسپانیایی	espagnol	اسپانی ُ	espagnole	**اسپانیُلْ**
ایتالیایی	italien	ایتالی یَنْ	italienne	**ایتالی ِ نْ**
کانادایی	canadien	کانادی یَن	canadienne	**کانادی ِ نْ**
کره ای	coréen	کُق ِ آنْ	coréenne	**کُقی ِ نْ**
پرتغالی	portugais	پُق ْ تو گ ِ	portugaise	**پُق ْ تو گِز**
یونانی	grec	گِقِکْ	grecque	**گِقِکْ**
انگلیسی	anglais	آنگل ِ	anglaise	**آنگلِزْ**
بلژیکی	belge	بلْژْ	belge	**بلْژْ**
سوئدی	suédois	سوئدوآ	suédoise	**سوئدوآز**
مراکشی	marocain	مَقوکَن	marocaine	**مَقوکِن**
آلمانی	allemand	آلمان	allemande	**آلمانْدْ**
اتریشی	autrichien	اُتقیشی یَنْ	autrichienne	**اُتقیشی ِ نْ**
ایرانی	iranian	ایقانی یَنْ	iranianne	**ایقانی ِ نْ**
الجزایری	algérien	اَلجِقی یَنْ	algérienne	**اَلجقی ِ نْ**
استرالیایی	australien	اُسْتْقالی یَنْ	australienne	**اُسْتْقالی ِ نْ**
برزیلی	brésilien	بقِزیلی یَنْ	brésilienne	**بقِزیلی ِ نْ**
چینی	chinois	چینوآ	chinoise	**چینوآز**
ایرلندی	irlandais	ایقْلَندِ	irlandaise	**ایقْلَندِز**
هلندی	néerlandais	نِقْلَندِ	néerlandaise	**نِقْلَندِز**
آمریکایی	américain	آمِقیکَنْ	américaine	**آمِقیکِن**
روسی	russe	قوسْ	russe	**قوسْ**
لهستانی	polonais	پُلُن ِ	polonaise	**پُلُنِز**
مکزیکی	mexicain	مکزیکَن	mexicaine	**مکزیکِن**
هندی	indien	آنْدی یَنْ	indienne	**آنْدی ِ نْ**
فرانسوی	français	فقانس ِ	française	**فقانسِزْ**
آسیایی	asiatique	آزیاتیک	asiatique	**آزیاتیک**
آفریقایی	africain	افقیکَن	africaine	**افقیکِن**
اروپایی	européen	اُقوپ ِ آنْ	européenne	**اُقوپی ِ نْ**

مشاغل Professions

در زبان فرانسه برای بیان شغل از فعل être (بودن) استفاده می شود. بعضی از شغلها بین مذکر و مونث مشترک می باشد.

مثال :

او پزشک است	médecin il est
او پرستار است	infirmière elle est

در جدول زیر تعدادی از مشاغل معرفی شده اند :

کلمه	مذکر	مونث
هنرمند	l'acteur	l'actrice
هنرپیشه	l'artiste	--

la boulangère	le boulanger	نانوا
--	le boucher	قصاب
--	le charpentier	نجار
la caissière	le caissier	صندوقدار
fonctionnaire la	fonctionnaire le	کارمند
--	le chef	سرآشپز
dentiste la	dentiste le	دندانپزشک
--	le médecin	پزشک
--	l'électricien	متخصص برق
l' ouvrière	l' ouvrier	کارگر
--	l'ingénieur	مهندس
--	le pompier	آتش نشان
l'avocate	l'avocat	وکیل
la femme de chambre	--	خدمتکار
--	le gérant	مدیر
--	le mécanicien	مکانیک
l'infirmière	l'infirmier	پرستار
la pharmacienne	le pharmacien	داروخانه چی
--	le plombier	لوله کش
--	le policier	پلیس
réceptionniste la	réceptionniste le	مسئول پذیرش
secrétaire la	secrétaire le	منشی
l'étudiante	l'étudiant	دانشجو
--	le professeur	معلم ، استاد
la serveuse	le serveur	پیشخدمت
--	l'écrivain	نویسنده
la fruitière	--	میوه فروش
--	restaurateur le	رستوراندار
la journaliste	--	خبرنگار
stagiaire la	stagiaire le	کار آموز
chanteuse la	chanteur le	خواننده
la potière	potier le	سفالگر
directrice la	directeur le	مدیر مدرسه
l' interpretrice	l' interpreteur	مترجم شفاهی
--	le patron	رئیس کارخانه
--	chauffeur le	راننده
l'élève	l'élève	دانش آموز
--	libraire le	کتاب فروش
la fleuriste	--	گل فروش
--	coiffeur le	آرایشگر
la responsable	--	مسئول
musicienne la	musicien le	نوازنده
la couturière	le tailleur	خیاط
--	locataire le	مستاجر

رنگ ها Les couleurs

در زبان فرانسه صفت رنگ بعد از موصوف بکار می رود و از نظر شمار و جنس با موصوف خود مطابقت می کند .

les cheveux noirs موهای سیاه

les robs verts لباسهای سبز

برای پرسیدن رنگ چیزی از سوال زیر استفاده می شود .

est-il De quelle couleur ? چه رنگی است ؟

با سوال فوق بصورت زیر می توان پاسخ داد .

rouge Il est قرمز است

در جدول زیر رنگهای مختلف معرفی شده اند :

رنگ	مفرد مذکر	مفرد مونث	جمع مذکر	جمع مونث
بنفش	violet	violette	violets	violettes
آبی	bleu	bleue	bleus	bleues
سبز	vert	verte	verts	vertes
زرد	jaune	jaune	jaunes	jaunes
نارنجی	orange	orange	orange	orange
قرمز	rouge	rouge	rouges	rouges
سیاه	noir	noire	noirs	noires
سفید	blanc	blanche	blancs	blanches
خاکستری	gris	grise	gris	grises
قهوه ای	marron	marron	marron	marron
صورتی	rose	rose	roses	roses
آبی روشن	bleu clair	bleu clair	bleu clair	bleu clair
آبی تیره	bleu foncé	bleu foncé	bleu foncé	bleu foncé

argenté	نقره ای	doré	طلایی
foncé	تاریک	fanné	روشن
sombre	تیره	clair	روشن
ciel	آسمانی	azure	لاجوردی

چند مثال :

les yeux bleus Elisabeth et Sylvie ont الیزابت و سیلویا چشمان آبی دارند

Lance Armstrong porte le maillot jaune لانس آرمسترانگ بلیز کشی زرد را به تن دارد

Les nombres اعداد

عدد صفر تنها عددی است که جمع بسته می شود و همچنین عدد یک در زبان فرانسه به صورت مذکر و مونث نوشته می شود. مونث آن une و مذکر آن un می باشد. حرف R صدای (ق) و (خ) را با هم می دهد و چیزی شبیه (ق) نزدیک به (خ) باید تلفظ شود. در جدول زیر اعداد یک تا بیست به همراه تلفظ آنها آمده است:

صفر	زِقّ	zéro
یک	آن ، اون	un , une
دو	دو	deux

trois	تخوآ	سه
quatre	کَتق	چهار
cinq	سَنک	پنج
six	سیس	شش
sept	سِت	هفت
huit	ویت	هشت
neuf	نُف	نه
dix	دیس	ده
onze	اُنْز	یازده
douze	دوُز	دوازده
treize	تْخِز	سیزده
quatorze	کَتُقْز	چهارده
quinze	کَنْز	پانزده
seize	سِز	شانزده
dix - sept	دی سِت	هفده
dix - huit	دیزویت	هجده
dix - neuf	دیز نُف	نوزده
vingt	وَن	بیست

اعداد ترتیبی : اعداد ترتیبی از یک تا ده عبارتند از

premier	اولین
deuxième	دومین
troisième	سومین
quatrième	چهارمین
cinquième	پنجمین
sixième	ششمین
septième	هفتمین
huitième	هشتمین
neuvième	نهمین
dixième	دهمین

برخی دیگر از اعداد در زیر آمده است. نکته قابل توجه مربوط به هفتاد و نود می باشد که مثلا برای هفتاد و یک از یک به همراه هفتاد استفاده نمی شود و به جای آن از یازده استفاده می شود و به همین ترتیب برای هفتاد و دو تا هفتاد و نه از دوازده تا نوزده به همراه هفتاد استفاده می شود.

vingt et un	بیست و یک	trente et un	سی و یک
vingt - deux	بیست و دو	quarante	چهل
vingt - trois	بیست و سه	cinquante	پنجاه
vingt - quatre	بیست و چهار	soixante	شصت
vingt - cinq	بیست و پنج	soixante - dix	هفتاد
vingt - six	بیست و شش	quatre - vingt	هشتاد
vingt - sept	بیست و هفت	un - quatre - vingt	هشتاد و یک
vingt - huit	بیست و هشت	quatre - vingt - dix	نود
vingt - neuf	بیست و نه	quatre vingt onze	نود و یک
trente	سی	quatre vingt douze	نود و دو

و اما اعداد از صد تا هزار و همچنین میلیون و میلیارد عبارت است از

cent	صد	six cents	ششصد
cent un	صد و یک	sept cents	هفتصد
cent deux	صد و دو	huit cents	هشتصد
cent dix	صد و ده	neuf cents	نهصد
cent - vingt	صد و بیست	mille	هزار

هزار و صد	mille cent	صد و سی	cent - trente
هزار و دویست	cent mille deux	صد و چهل	cent - quarante
هزار و سیصد	cent mille trois	صد و پنجاه	cent - cinquante
دو هزار	deux mille	صد و شصت	cent - soixante
پنج هزار	cinq mille	صد و هفتاد	cent soixante - dix
ده هزار	dix mille	صد و هشتاد	cent quatre - vingt
پنجاه هزار	mille cinquante	صد و نود	cent quatre vingt dix
صد هزار	cent mille	دویست	deux cents
یک میلیون	un million	سیصد	trois cents
یک میلیارد	un milliard	چهارصد	quatre cents
		پانصد	cinq cents

ساعت Heure

در زبان فرانسه برای پرسیدن ساعت معمولا از یکی از دو جمله زیر استفاده می کنند که به معنی (ساعت چند است) می باشند

(کِلْ اُ قْ اِ تیلْ)	est - il quelle heure ?
(ایل اِ کِلْ اُقْ)	quelle heure il est ?

برای نمونه در جواب به این سوال می گوییم:

ساعت یک است	il est une
heure	

ساعت هفت و پانزده دقیقه است — il est sept heures quinze

ساعت نه و پنجاه و پنج دقیقه است — il est neuf heures quarante - cinq

در فرانسه مانند زبان فارسی برای بیان کردن ساعت رسمی مثلا در رادیو و تلویزیون از ساعت یک بعد از ظهر به بعد را از سیزده شروع می کنند.

ساعت سیزده است — il est treize heures

ساعت هیجده و سی دقیقه است — il est dix - huit heures trente

ساعت بیست و سه است — il est vingt - trois heures

در زبان فرانسه برای بیان ساعت به طور عامیانه از اصطلاحات **demie** (نیم) و **quart** (ربع) استفاده می شود

ساعت هفت و ربع است — il est sept heures et quart (ایل اِ سِتْ اُقْ اِ کَقْ)

ساعت شش و نیم است — heures et demie il est six (ایل اِ سیزُقْ اِدْمی)

هرگاه بخواهیم مثلا بگوییم (ساعت شش بیست دقیقه کم است) باید از کلمه **moins** (کمتر) استفاده کنیم. در این حالت اگر بخواهیم بگوییم

(ربع کم است) باید از کلمه **Le quart** استفاده کنیم.

ساعت ده ربع کم است — il est dix heures moins le quart (ایل اِ دیزُقْ موآن لُ کَقْ)

ساعت بیست و پنج دقیقه به پنج است — il est cinq heures moins vingt – cinq (ایل اِ سَنکْ اُقْ موآن وَنْ سَنکْ)

نکته ! در زبان فرانسه ساعت دوازده نداریم و به جای ساعت دوازده ظهر از کلمه **midi** و دوازده شب از کلمه **minuit** استفاده می شود.

ساعت دوازده و بیست دقیقه (ظهر) است — il est midi vingt (ایل اِ میدی وَنْ)

ساعت دوازده (شب) است — il est minuit (ایل اِ مینویی)

اوقات روز :

در فرانسه اوقات روز به شش قسمت تقسیم می شود که عبارت است از :

Matin	بین ساعت ۶ تا ۱۲ صبح
Midi	ساعت ۱۲ ظهر
Après - midi	بین ساعت ۱۲ ظهر تا ۶ عصر
Soir	بین ساعت ۶ عصر تا ۱۲ شب
Minuit	ساعت ۱۲ شب
Nuit	از ساعت ۱۲ شب به بعد

مثلا برای سلام کردن در **matin** از **bonjour** و در **soir** از **bonsoir** استفاده می شود. برای گفتن شب بخیر در **nuit** (معمولا در هنگام خوابیدن) نیز از **nuit bon** استفاده می شود.

مقالات ادبی

مقالات ادبی ، شعر و داستان هایی به زبان فرانسه قرار داده شده که البته برخی از آنها به فارسی ترجمه شده است.

Etapes

Tu es un enfant
Quand tu ne sais pas ce que tu veux faire dans la vie .
تو یک کودکی ، وقتی نمی دانی میخواهی در زندگی چه کاری انجام دهی

Tu es un adolescent
vie Quand tu as le goût de ne rien faire dans la .
تو یک نوجوانی ، که نمی خواهی هیچ کاری در زندگی ات انجام دهی

Tu es un adulte
Quand tu te demandes pourquoi tu n'as rien fait dans la vie .
تو یک بزرگسالی ، وقتی از خودت می پرسی چرا هیچ کاری در زندگی ات انجام نداده ای

Les trois tamis

Un jour, quelqu'un vint voir Socrate et lui dit :

روزی شخصی به دیدن سقراط رفت و به او گفت :

- coute, Socrate, il faut que je te raconte comment ton ami s'est conduitö

گوش کن سقراط باید به تو بگویم که چگونه دوستت رفتار میکند

- tamis interrompit l'homme sage. As-tu passé ce que tu as à me dire à travers les trois ! Arrête ?

مرد دانا حرف او را قطع کرد:صبر کن.آیا چیزی را که میخواهی به من بگویی از سه غربال عبور داده ای؟

Trois tamis ? dit l'autre, rempli d'étonnement

دیگری مملو از حیرت گفت؟سه غربال؟

- Oui, mon bon ami : trois tamis.Examinons si ce que tu as à me dire peut passerpar les trois tamis.Le contrôlé si tout ce que tu veux me raconter est vrai de la vérité. As-tu premier est celui ?

بله دوست خوبم : سه غربال. بیا بررسی کنیم که آن چیزی که تو میخواهی به من بگوی میتواند از سه غربال رد شود.غربال اول حقیقت است. آیا بازبینی کرده ای که آنچه می خواهی به من بگویی حقیقت است؟

- Non, je l'ai entendu raconter et ...

نه شنیده ام که تعریف میکردند و ...

? - celui de la bonté bien. Mais assurément tu l'as fait passer à travers le deuxième tamis. C'est ,Bien . au moins quelque chose de bon ce-si ce n'est pas tout à fait vrai, est , Ce que tu veux me raconter

خوب خوب.خوب تو آن را از غربال دوم میگذرانی.این غربال مهربانیو خوبی است.چیزی که میخواهی به من بگویی حتی اگر کاملا حقیقت ندارد حد اقل خوب هست؟

au contraire ,Hésitant, l'autre répondit : Non, ce n'est pas quelque chose de bon ...

با تردید پاسخ داد:نه برعکس چیز خوبی نیست

- me raconter le Sage, essayons de nous servir du troisième tamis, et voyons s'il est utile de Hum ! dite me dire ce que tu as envie de ...

آهان دانا گفت: تلاش میکنیم از غربال سوم بگذریم و ببینیم که آیا فایده ای دارد که آنچه را میخواهی بگویی برایم تعریف کنی

- Utile ? Pas précisément ...

فایده ؟ نه دقیقا

- Eh bien ! dit Socrate en souriant ,

سقراط با لبخند گفت:خوب

te n'est ni vrai, ni bon, ni utile, je préfère ne pas le savoir, et quant à toi, je si ce que tu as à me dire conseille de l'oublier ...

اگر آنچه میخواهی برای من بگویی نه حقیقت دارد نه زیبایی و نه فایده من ترجیح میدهم آن را ندانم و به توهم پیشنهاد میکنم آن را فراموش کنی

---

le soleil se lève Quand

courir plus vite que le plus Chaque matin, en Afrique, une gazelle se réveille. Elle sait qu'il lui faudra rapide des lions pour rester en vie

هرروز صبح توی آفریقا آهویی بیدار میشه.میدونه که باید سریع تر از تند رو ترین شیر ها بدوه تا زنده بمونه

vite que la plus lente des Chaque matin, un lion se réveille et sait lui aussi qu'il lui faudra courir plus gazelles s'il ne veut pas mourir de faim

هر روز شیری بیدار میشود و میداند که باید سریع تر از کند ترین غزالها بدود تا از گرسنگی نمیرد

quand le soleil se lève, il vaut mieux courir : Peu importe que l'on soit gazelle ou lion en Afrique

مهم نیست که غزال یا شیر ی در آفریقا باشی.وقتی آفتاب میزنه بهتره بدوی

Un sourire

Un sourire ne coûte rien et produit beaucoup

یک لبخند هزینه ای ندارد اما چیزهای زیادی به وجود میآورد

Il enrichit ceux qui le reçoivent Sans appauvrir ceux qui le donnent

دریافت کننده اش را غنی میکند بدون اینکه بخشنده اش را فقیر سازد

Il ne dure qu'un instant Mais son souvenir est éternel

بیشتر از یک لحظه طول نمیکشد اما خاطره اش جاودان است

pour ne pas le mériter Personne n'est assez riche pour s'en passer Personne n'est assez pauvre

هیچ کس آنقدر ثروتمند نیست که از آن بگذرد و هیچ کس آنقدر فقیر نیست که شایسته آن نباشد

Il crée le bonheur au foyer, Il est le signe sensible de l'Amitié

شادی را در خانه به وجود میآورد نشانه پر احساس دوستی است

découragés Un sourire donne du repos à l'être fatigué, Rend du courage aux plus

یک لبخند آرامش را به فرد خسته میدهد و به دلسردترین افراد شجاعت میبخشد

de valeur Qu'à partir du Il ne peut ni s'acheter, ni se prêter, ni se voler Car c'est une chose qui n'a où il se donne moment

نمیتوان انرا خرید قرض کرد یا دزدید چرا که این چیزی است که دزدی ندارد که لحظه بخشش آن محل را ترک کند

Et si quelquefois vous rencontrez une personne

و اگر گاهی شما به کسی برخورد میکنید

Qui ne sait plus sourire

که دیگر لبخند زدن بلد نیست

Soyez généreux et offrez-lui le vôtre

بخشنده باشیدو لبخند خودتان را به او پیشکش کنید

Conte chinois

Un mandarin partit un jour dans l'Au-Delà. Il arriva d'abord en

enfer

روزی ماموری عالیرتبه به سوی ماورابه راه افتاد.اول به جهنم رسید

mouraient de faim, mais tous ; Il y vit beaucoup d'hommes, attablés devant des plats de riz car ils avaient des baguettes longues de deux mètres et ne pouvaient s'en servir pour se nourrir

او آنجا مردم بسیاری را دید که جلوی بشقاب های برنج قرار گرفته بودند.اما در نهایت گرسنگی به سر میبردند چراکه قاشق های بلندی به درازای ۲ متر داشتند و نمی توانستند از آن برای تغذیه استفاده کنند

Puis il alla au Ciel

سپس به بهشت رفت

Là aussi, il vit beaucoup d'hommes attablés devant des plats de riz ; et tous étaient en bonne santé, car eux aussi avaient des baguettes longues de deux mètres, mais chacun s'en servait pour nourrir celui qui était assis en face de lui

آنجا هم افراد زیادی را دید که جلوی بشقاب های برنج بودند و همه در سلامت کامل به سر میبردند آنها هم قاشق های بلند۲متری داشتند اما هر کس از آن برای غذا دادن به فردی که روبروی او بود استفاده میکرد

Action

« Le grand but de la vie n'est pas le savoir mais l'action » (Thomas Huxley)

هدف بزرگ زندگی در دانستن نیست در عمل کردن است

« Celui qui se laisse vivre se laisse mourir » (Docteur Pauchet)

کسی که به خود اجازه زندگی میدهد اجازه مرگ هم میدهد

« Tu peux rester immobile dans le courant d'une rivière mais pas dans le monde des hommes »

(Prov. japonais)

تو میتوانی بی حرکت در مقابل جریانم رودخانه قرار بگیری اما در دنیای انسانها نمیتوانی - ضرب المثل ژاپنی

« Un con qui marche vaut mieux que dix intellectuels assis » (Jacques Séguéla, *Fils de pub*)

احمقی که حرکت میکند به ۱۰ عاقل نشسته میارزد

« Il faut toujours être botté et prêt à partir » (Montaigne)

همیشه باید پوتین به پا داشت و آماده حرکت بود

« Il faut des actions et non des paroles » (Racine,*Iphigénie*)

عمل لازم است نه حرف

« Pour connaître les hommes, il faut les voir agir » (Rousseau,*Emile*)

برای شناخت مردم باید آنها را در حال حرکت و تلاش ببینی

« L'action n'apporte pas toujours le bonheur mais il n'est pas de bonheur sans action » (B. Disraeli, *Lothar*)
عمل همیشه خوشبختی نمیآورد ولی هیچ خوشبختی بدون عمل به دست نمی آید

« L'eau courante ne se corrompt jamais » (Proverbe chinois)
آب جاری هرگز فاسد نمیشود

« L'action est ce qui crée toutes les grandes réussites. L'action est ce qui donne des résultats »
(Robbins, *Pouvoir illimités*)
عمل کردن آن چیزی است که تمام موفقیت های بزرگ را میآفریند.عمل کردن است که نتیجه به بار می آورد - آنتونی رابینز قدرت نامحدود

« On ne doit pas juger d'un homme par ses grandes qualités, mais par l'usage qu'il en sait faire »
(La Rochefoucauld, *Réflexions ou Sentences et Maximes morales*)
نباید در مورد مردم بر اساس طبیعت و صفات ذاتیشان قضاوت کرد بلکه بر اساس استفادهای که آنها از ظرفیتشان میتوانند بکنند

Devise de Lyautey : « La joie de l'âme est dans l'action »
شادی روح در فعالیت است

« Tout début est difficile mais sans début, pas de fin » (Proverbe allemand)
هر آغازی سخت است اما بدون آغاز پایانی نیست - ضرب المثل آلمانی

« Tout est difficile avant d'être simple » (Th. Fuller, *Gnomologia*)
همه چیز قبل از اینکه آسان شود سخت است

« Bien dire fait rire, bien faire fait taire » (Proverbe français)
کسی که عمل میکند بقیه را به سکوت وا میدارد کسی که حرف میزند بقیه را به خنده وا میدارد

« Les grands diseurs ne sont pas les grands faiseurs » (L. Martel, Recueil des Proverbes français)
گوینده های بزرگ عمل کننده های بزرگ نیستند

« La pratique est la seule théorie qui profite » (Daniel Darc, *Petit Bréviaire du Parisien*)
تمرین تنها تئوری سودمند است

---

10 trucs de beauté

1. 1. Pour avoir des lèvres attirantes, prononcez des paroles de bonté
2. 2. Pour avoir de beaux yeux, regardez ce que les gens ont de beau en eux.
3. 3. Pour rester mince, partagez vos repas avec ceux qui ont faim.
4. 4. Pour avoir de beaux cheveux, faites qu'un enfant y passe sa main chaque jour.
5. 5. Pour avoir un beau maintien, marchez en sachant que vous n'êtes jamais seule.
6. 6. Les gens, bien plus que les choses, ont besoin d'être réparés, renouvelés, revigorés, récupérés et rachetés. Ne rejetez jamais quelqu'un.
7. 7. Pensez-y : si un jour vous avez besoin d'une main secourable, vous en trouverez une à chaque bout de vos bras. En vieillissant vous vous rendrez compte que vous avez 2 mains, l'une pour vous aider vous-même, l'autre pour aider ceux qui en ont besoin.
8. 8. La beauté d'une femme n'est pas dans les vêtements qu'elle porte, son visage ou sa façon d'arranger ses cheveux. La beauté d'une femme se voit dans ses yeux, car c'est la porte ouverte sur son coeur, l'endroit où est son amour.
9. 9. La beauté d'une femme n'est pas dans son maquillage, mais dans la vraie beauté de son âme. C'est la tendresse qu'elle donne, l'amour, la passion qu'elle exprime.
10. 10. La beauté d'une femme se développe avec les années.

۱- برای داشتن لب های جذاب کلام محبت آمیز به زبان آورید

۲- برای داشتن چشمان زیبا به زیبایی های مردم و خوبیهای آنها توجه کنید

۳- برای خوش اندام ماندن غذایتان را با گرسنگان تقسیم کنید

۴- برای داشتن موهای زیبا بگذارید کودکی هر روز آن را نوازش کند

۵ـ برای داشتن فرم مناسب در حالی راه بروید که میدانید هرگز تنها نیستید

۶- انسانها بیشتر از اشیا احتیاج به تعمیر نو شدن احیا شدن مرمت شدن ورهاشدن دارند هیچ وقت هیچ کدام را دور نریزید

۷-به خاطر داشته باشید هرگاه به دست یاری نیاز داشتید همیشه یکی در انتهای دست خودتان پیدا میکنید

همین طور که سنتان بالا میرود شما متوجه میشوید که ۲ دست دارید یکی برای کمک به خودتان و یکی برای یاری دیگران

۸-زیبایی یک زن به لباسهایی که میپوشدبه صورتش و به مدل مویش بستگی ندارد زیبایی یک زن در چشمانش پدیدار میشود چرا که آنها دروازه های باز قلبش هستند جایی که عشقش جای دارد

۹-زیبایی یک زن در آرایشش نیست بلکه در زیبایی واقعی روحش است مهم این است که او مشتاقانه عشقش را نثار میکند

۱۰-زیبایی واقعی یک زن با گذشت زمان افزایش می یابد

---

l’enfant L’homme et

Un homme tomba dans un trou et se fit très mal.

روزی مردی داخل چاهی افتاد و بسیار دردش آمد

Un Spiritualiste le vit et dit : Vous avez dû commettre quelque péché.
روحانی او را دید و گفت:حتما گناهی انجام داده ای

Un Scientifique calcula la profondeur du trou.
یک دانشمند عمق چاه را اندازه گرفت

Un Journaliste l'interviewa sur ses douleurs.
یک روزنامه نگار در مورد دردهایش با او مصاحبه کرد

Un Yogi lui dit : Ce trou est seulement dans ta tête, comme ta douleur.
یک یوگیست به او گفت:این چاله و همچنین دردت فقط در ذهن تو هستند - در واقعیت وجود ندارند

Un Médecin lui lança deux comprimés d'aspirine.
یک پزشک برای او دو قرص آسپرین پایین انداخت

Une Infirmière s'assit sur le bord et pleura avec lui.
یک پرستار کنار چاه ایستاد و با او گریه کرد

Un Thérapeute l'incita à trouver les raisons pour lesquelles ses parents le préparèrent à tomber dans le trou.
یک درمانگر او را تحریک کرد تا دلایلی را که پدر و مادرش او را آماده افتادن به داخل چاه کرده بودند پیدا کند

Une Pratiquante de la pensée positive l'exhorta : Quand on veut, on peut !
یک تمرین کننده فکر مثبت او را نصیحت کرد که:خواستن توانستن است

Un Optimiste lui dit : Vous auriez pu vous casser une jambe.
یک فرد خوشبین به او گفت:ممکن بود یکی از پاهات رو بشکنی

Puis un enfant passa, et lui tendit la main...
سپس کودکی گذشت و دست او را گرفت و او را از چاه بیرون آورد

Chance ou malchance ?

Il y avait en Chine, un vieux cultivateur qui possédait un vieux cheval pour labourer son champ. Un jour, le cheval s'enfuit dans les montagnes et tous les voisins vinrent sympathiser avec le vieil homme à cause de sa malchance. Mais il leur dit:

روزی روزگاری کشاورز پیر ی در چین زندگی میکرد که اسب پیری داشت که کارهای مزرعه اش را انجام میداد.یک روز اسب به کوهستان ها فرار کرد و تمام همسایه ها آمدند تا با پیر مرد به خاطر بد شانسی اش همدردی کنند .اما او به آنان گفت

- Chance ou malchance, qui peut le dire?

شانس یا بد شانسی چه کسی میتواند بگوید؟

Une semaine plus tard, le cheval revint des montagnes emmenant avec lui une horde de chevaux sauvages et alors les voisins vinrent le féliciter à cause de sa chance. Il leur dit encore:

یک هفته بعد اسب از کوهستان برگشت در حالی که با خودش یک گله اسب وحشی آورده بود و همه همسایه ها آمدند تا به خاطر شانسش به او تبریک بگویند.او باز هم به آنان گفت

- Chance ou malchance, qui peut le dire?

شانس یا بد شانسی چه کسی میتواند بگوید؟

Puis, alors que son fils essayait de dompter les chevaux sauvages, il tomba et se cassa une jambe. Tout le monde y vit de la malchance. Mais pas le cultivateur qui leur dit une fois de plus:

بعد زمانی که پسرش میخواست آن ها را تربیت کند زمین خورد و پایش شکست. همه آن را به عنوان یک بد شانسی میدیدند .اما نه کشاورز که هنوز هم میگفت

- Chance ou malchance, qui peut le dire?

شانس یا بد شانسی چه کسی میداند؟

Quelques semaines plus tard, l'armée arriva dans le village et tous les jeunes aptes à faire la guerre furent conscrits. Quand les officiers virent le fils du cultivateur avec sa jambe cassée, ils le laissèrent libre. Était-ce une chance ou une malchance Qui peut le dire?

چند هفته بعد ارتش به دهکده آنان رسید و تمام جوانان مستعد جنگیدن را آزمایش میکردند.هنگامی که افسران سپاه پسر کشاورز را با پای شکسته اش دیدند او را آزاد گذاشتند.آیا این شانس بود یا بد شانسی چه کسی میتواند بگوید (اند فلسفه)؟

Tout ce qui apparaît comme une malchance peut-être une chance déguisée. Et ce qui apparaît comme une chance, peut être une malchance déguisée. Nous sommes donc sages quand nous laissons à Dieu de décider de ce qui est bon et de ce qui est mauvais, et nous Le remercions de ce que toute chose finit par être changée en bien pour ceux et celles qui L'aiment.

تمام چیز هایی که به عنوان بد شانسی ظاهر میشود ممکن است یک شانس پنهان باشد .و چیزهایی که شانس به نظر میرسد ممکن است بد شانسی مخفی باشد.بنابراین ما خیلی دانا هستیم اگر به خدا اجازه دهیم که تصمیم بگیرد چه چیز خوب و چه چیز بد است.و از او تشکر کنیم که همه چیز به بهترین نحو برای کسانی که او را دوست دارند پایان میپذیرد

Ne pleure pas

Ne pleure pas, mon amour, ne pleure pas, déjà
La nuit descend, mon amour, la nuit descend, tout bas
Mais cette fois, tu le sais, je dormirai sans toi
Ce sera long, mon amour, j'aurai peut-être froid

Tu avais les yeux dans le ciel
Aux couleurs d'un chemin d'étoiles
Et j'ai sombré jusqu'à plus rien

Dans le source au creux de tes mains

A trop aimer le vent où se brisent les ailes
J'ai traversé les mots pour aller jusqu'à toi
Voulant vivre comme toi, comme on vit de soleil
Mais c'est fini tu vois et j'ai tant sommeil

Ne pleure pas, mon amour, ne pleur pas déjà
La nuit descend, mon amour, la nuit descend, tout bas
Tu trouveras, je le sais, d'autres chemins que moi
Tu t'es trompé, mon amour, je peux mourir sans toi !

Tu disais : la vie nous va bien
Nous aurons des années lumières
Beaucoup d'amour, un peu de pain
Des enfants, plus beaux qu'un " je t'aime "

Je préférais la nuit, j'aimais trop le mystère
Mes pas s'arrêtent ici, continue, solitaire
Je vais dormir là-bas, comme on dort en hiver
Mais c'est fini tu vois, et j'ai tant sommeil !

Par l'émoi

Parlez-moi d'un instant griffonné sur son ciel
De ce temps reflétant l'encrier, l'essentiel .
Juste un mot de ses yeux, de mon encre, inondés
Quand pleuvent amoureux mes doigts sur le papier.

De ses larmes de joie tapies au creux de Nous
Quand le corps nous envoie ses rêves les plus fous
Aux sourires, l'envie, sur ses lèvres, l'ivresse
Qui colorent ma vie de rondeaux de tendresse.

Par l'émoi de nos voeux sur des pages d'espoir
Naissent les désireux, tant de songes le soir
D'un futur de quatrains dans un bain de sépia
Transpiré de ses mains pour me peindre l'aura.

Il a ce petit " Tout" qui éteint tous mes " Rien"
Dans un flot qui se joue sur un air de besoins.
Paupières alanguies au sommet de sa voix
Retiennent en nos vies la douceur de nos choix.

Par les mois disparus dans les jours accordés
Lorsque sont apparus les desseins de s'aimer
J'ai acquis sans repos le trépas des remords,
De la froideur des maux d'un passé sans accords.

Il a pris mon chemin juste au creux de sa foi

Y soufflant lendemain en douceur de ses bras.
Parlez-moi de l’Amour qui m’unit à son ciel
Par l’émoi de nos jours embrassant l’éternel.

واژه های مشترک بین فرانسه و ایران

واژه‌های دارای ریشه فرانسوی که در زبان فارسی معمول شده‌اند و بصورت وامواژه هایی درآمده‌اند، به فراوان یافت می‌شوند. دلیل آن شاید به دوران قاجار برگردد که عمده‌ی روابط ایران و غرب، با فرانسویان بوده‌است.
برخی از این کلمات و معادل فرانسوی آن در زیر فهرست شده‌اند:

الف

- ادکلن(de cologne eau)
- اپل (épaule) به معنی شانه
- اپیدمی (épidémie)
- اتیکت (étiquette)
- اشانتیون (échantillon) به معنی نمونه
- اشل (échelle) به معنی نردبان
- اکران (écran)
- اکیپ (équipe)
- املت (omelette)
- اُورت (ouvert) به معنی باز (open).
- اورژانس (urgence)
- اوریون (oreillons) بیماری اوریون یا گوشک که از oreille که به معنی گوش است آمده است.
- ایده (idée)
- آباژور (abat-jour)
- آبسه (abcès) به معنی چرک و ورم چرکی
- آژان (agent)
- آژانس (agence)
- آسانسور (ascenseur)
- آلرژی (allergie)

- آمپول (ampoule)
- آناناس (ananas)
- آنکادر کردن (encadrer)
- آوانتاژ (avantage) به معنی فایده و منفعت است.
- آوانس (avance)

ب

- باکتری (bactérie)
- بالکن (balcon)
- بانداژ (bandage)
- بلیط (billet) که در زبان فرانسه "بیه" تلفظ می‌شود
- برس (brosse)
- بروشور (brochure)
- بلوز (blouse)
- بن ساله (salé bon) به معنی خوش نمک
- بوروکراسی (bureaucratie) که از ریشه bureau به معنی میز و دفتر کار ایجاد شده است.
- بوفه (buffet)
- بولتن (bulletin)
- بیسکویت (biscuit) به معنی دوبار پخته شده bis به معنی دوباره و cuit به معنی پخته شده است!
- بیگودی (bigoudis)

پ

- پاپیون (papillon) به معنی پروانه
- پاتیناژ (patinage)
- پاساژ (passage)
- پاندول (pendule)
- پانسمان (pansement)
- پاویون (pavillon)
- پروژه (projet)
- پروسه (process)

- پلاک (plaque)
- پلاکارد (placard) به معنی پوستر و نیز به معنی کابینت است plat به معنی بشقاب یا ظرف مسطح است.
- پماد (pommade)
- پنس (pinces)
- پورتفوی (portefeuille) به معنی کیف اسناد وکیف پول است.
- پونز (punaise)
- پوئن (point) به معنای امتیاز
- پیژامه (pyjama)
- پیست (piste)

ت

- تابلو (tableau)
- تن (ماهی) (thon)
- توالت (toilette)
- تومور (tumeur)
- تیره یا خط تیره (tiret)
- تیراژ (tirage)

د

- دز (dose)
- دوش (douche) فعل se doucher به معنای دوش گرفتن است
- دیسک (disque)
- دیسکت (disquette)

ر

- رادیاتور (radiateur)
- رژیم (régime)
- رفراندوم (référendum)
- رفوزه (refusé)
- روبان (ruban)
- روب‌دشامبر (de chambre robe) به معنی لباس خانه.

ژ

- ژامبون (jambon) از واژه jambe به معنی ساق پا گرفته شده است.
- ژانر (genre)

- ژست (geste)
- ژله (gelée)
- ژوپ (jupe) به معنی دامن و minijupe به معنی دامن کوتاه است.

س

- ساتن (satin)
- سالن (salon)
- سس (sauce)

ش

- شاپو (chapeau)
- شارلاتان (charlatan)
- شاسی (châssis)
- شال (châle)
- شانس (chance)
- شانتاژ (chantage) ریشه آن فعل chanter به معنی آواز خواندن است

ص

- صابون (savon)
- صندل (sandale)

ط

- طلق (talc)

ف

- ژورنال (journal) به معنی روزنامه. jour به معنی روز است.
- ژیله (gilet)

- سنکوپ (Syncope)
- سوتین (gorge soutien)
- سوژه (sujet)

- شوالیه (chevalier) به معنی اسب سوار و Cheval به معنی اسب است
- شوسه (chaussée) به معنی جاده و سواره رو است و chaussure به معنی کفش است.
- شوفاژ (chauffage)
- شوفر (Chauffeur)
- شومینه (cheminée)

•فابریک (fabrique) به معنی کارخانه

•فلش (flèche)

•فویل (feuille) به معنی ورقه یا برگه.

ک

•کاپوت (capot)

•کارتابل (cartable) به معنی کیف مدرسه

•کاسکت (Casquette)

•کافه (café)

•کافه گلاسه (glacé café)

•کامیون (camion)

•کامیونت (camionnette)

•کاناپه (canapé)

•کتلت (côtelette) از واژه côte به معنی دنده بوجود آمده است.

•کراوات (cravate)

•کرست (corset)

•کریدور (corridor)

•کلیه (Collier) به معنی گردن‌بند و cou به معنی گردن است.

•کمدی (comédie)

•کنسانتره (concentré)

•کنسرو (conserve)

•کنسرواتور (conservateur) به معنی نگهبان و محافظ است

•کنکور (concours)

•کودتا (État'd Coup)

•کوران (courant) به معنی جریان بیشتر برای جریان هوا به کار می‌رود.

•کورس (course)

•کوسن (coussin) به معنی نازبالش

گ

- گاراژ (garage) از فعل garer به معنی نگهداشتن یا پارک کردن گرفته شده است
- گارسون (garçon)
- گیشه (guichet)

ل

- لژ (loge)
- لوستر (lustre)
- لیسانس (licence)

م

- مامان
- مانتو (manteau)
- مانکن (mannequin)
- مایو (maillot)
- مبل (meuble)
- مرسی (merci)
- مزون (maison) به معنی خانه است
- مغازه (magasin) خود در اصل از عربی مخزن.
- موزه (musée)
- موکت (moquette)
- میزانسن (scene en mise)
- میلیارد (milliard)

ن

- نایلون (nylon)

و

- وانیل (vanille)
- ویتامین (vitamine)
- ویترین (vitrine)

- ویراژ (virage)
- ویلا (villa)

پایان